

به نام خدا

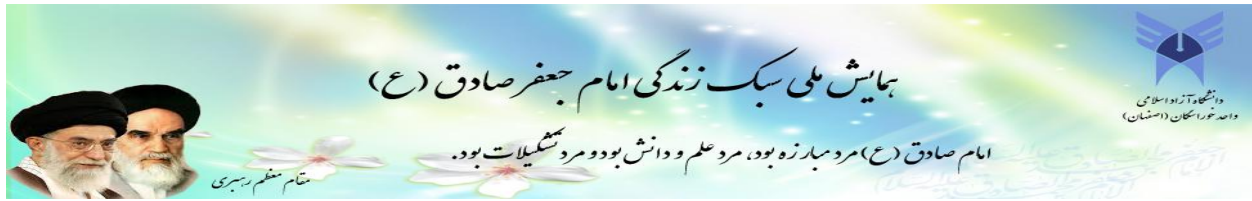
جهاد علمی - فرهنگی امام صادق و سبک زندگی دینی*

چکیده

در عصری که سیاستمداران حکومت اسلامی در گیرودار قدرت طلبی غافل از اوضاع فرهنگی جامعه بسر می‌بردند و هر روز خلیفه‌ای برمسند حکومت می‌نشست، از یک سو دروازه‌های قلمرو اسلامی بر روی دانش‌های گوناگون گشوده شده و از سوی دیگر جنجال مکتب داران عقاید و مذهب سازان مختلف بلند بود، حضرت امام صادق 7 زعامت و رهبری دینی جامعه را بعهده گرفتند. آن حضرت با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مسلمانان یک برنامه ریزی هدفمندانه نمودند که عقل و اندیشه انسان را به حیرت و شگفتی وامی‌دارد. یکی از چشم اندازهای آینده عملکرد آن حضرت حفظ سبک زندگی دینی صحیح مسلمانان در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانگان و صاحبان مکتب‌های انحرافی بود از این رو با توجه به نهضت ترجمه به آگاه سازی مسلمانان نسبت به اندیشه‌های نادرست پرداختند همچنین جلسات و محافل مناظره علمی را تشکیل دادند تا با برپایی کرسی‌های آزاد اندیشی و بیان استدلال‌های محکم مبانی دین اسلام و تشیع را به مخالف، موافق و مقرر عرضه نمایند. آن حضرت در این راستا شاگردان بسیاری را تربیت نمودند و در عصر خویش بزرگترین آموزشگاه اسلامی را نموده و مدینه را که سرای وحی بود مرکز آموزشگاه خود قرار دادند و مسجد پیامبر 6 را محل تدریس کردند به طوری که همه فنون در آن تدریس می‌شد. یکی دیگر از چشم اندازهای عملکرد امام صادق 7 ایجاد سبکی نو از زندگی دینی برای شیعیان بود یعنی پایه گذاری فقه شیعه می‌باشد که نسبت به سایر مکاتب فقهی دارای امتیازات ویژه‌ای چون استفاده از روایات ناب اهل بیت: ، بهره گیری از عقل و مفتوح بودن باب اجتهاد می‌باشد.

کلید واژه: سبک زندگی، امام صادق، جهاد فرهنگی، فقه.

* مهناز اکبری، فارغ التحصیل سطح ۲ حوزه، کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث قم،



مقدمه

جهاد فرهنگی مسلمین که در زمان پیامبر 6 بنیان نهاده شد پس از آن حضرت به دلیل جو سیاسی و اختناق حاکم بر جامعه تا مدت ها پیشرفت آن چنانی نداشت تا آنکه در زمان امام باقر 7 تحول نوبی در این زمینه بنا نهاده شد و در زمان امام صادق 7 بواسطه اوضاع نابسامان سیاسی فرصت مناسبی حاصل شد و آن امام بزرگوار با در دست گرفتن موقعیت های فرهنگی اقدام به باز سازی و ایجاد سبکی نو از زندگی دینی نمودند و یا بواسطه مبارزه با موانع و مشکلات فرهنگی موجود در جامعه سبک زندگی دینی مسلمانان را حفظ نمودند تا دستخوش نابودی و تغییرات ناخوشایند نگردد.

با بررسی های انجام شده پژوهشی با این دیدگاه پیرامون عملکرد آن امام بزرگوار یافت نشد لذا با توجه به اقدامات آن حضرت اعم از: حفظ سبک زندگی دینی مسلمانان و ارائه سبکی نو از زندگی دینی برای شیعیان توسط آن حضرت ضرورت این تحقیق کاملا محسوس بود و این که به راستی امام صادق 7 به چه آرمان هایی می اندیشیدند؟ چه اهدافی را جستجو می کردند؟ چه اقداماتی انجام دادند؟ چگونه برنامه ریزی می کردند؟ به چه اموری اولویت می دادند؟ مخالفان ایشان چه کسانی بودند؟ چرا با ایشان مخالفت می کردند؟ و....

در این تحقیق اوضاع سیاسی و شرایط فرهنگی، مشکلات و موانع موجود در جامعه مورد بررسی قرار گرفته و اقدامات امام صادق 7 نیز در این راستا ذکر گردیده است و اقداماتی که آن حضرت در برابر مشکلات و موانع بزرگ فرهنگ جامعه اسلامی انجام دادند تا سبک زندگی دینی مسلمانان را حفظ نمایند یا سبک زندگی دینی نوینی برای شیعیان بنیان نهند در قالب 6 پروژه مهم ذکر شده است که عبارتند از:

الف: امام صادق ع و رویارویی با فرهنگ های بیگانه و نهضت ترجمه

ب: مناظره، راهی برای حفظ سبک زندگی دینی شیعیان

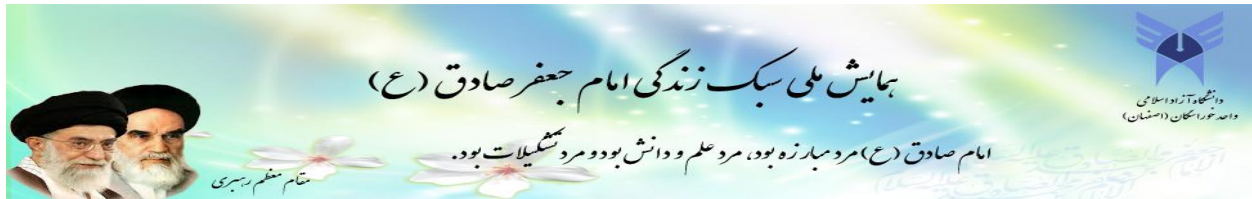
ج: امام صادق ع و رویارویی بامبانی نادرست مکتب حنفی

د: امام صادق ع و مبارزه با غالیان برای حفظ سبک زندگی دینی شیعیان

ه: امام صادق ع و تربیت افسران جنگ نرم

و: شکل گیری فقه جعفری و سبک جدید زندگی دینی شیعیان

هدف از نگارش پژوهش حاضر بررسی چگونگی عملکرد امام صادق 7 و زمینه فعالیت های آن حضرت می باشد تا با الگو برداری از آن بتوان برای جامعه کنونی خود در نقاط مشترک چاره اندیشی نمود. لذا با مراجعه به کتب مختلف بر این امر همت گماشته شده است.

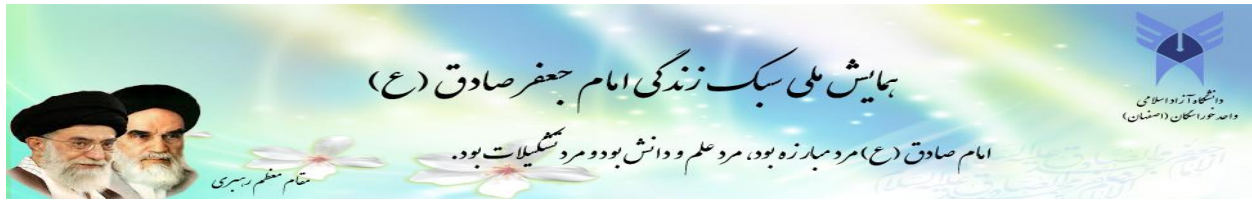


۱- شرایط سیاسی و فرهنگی

۱-۱- نگاهی گذرا بر اوضاع سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی از امام علی 7 تا امام صادق 7

با نگاهی به زندگانی ائمه معصومین: مشاهده می‌شود که هر کدام از ایشان با توجه به شرایط خاص و مقتضیات زمان خویش برای پیشرفت دین مبین اسلام و هدایت مسلمانان علاوه بر تلاش‌های بسیار، روشی خاص نیز اتخاذ نموده‌اند. امام علی 7 در شرایط بحرانی زمان خود بیست و پنج سال سکوت نمودند تا ارکان اسلام نابود نشود امام حسن 7 صلح را مصلحت دانسته و امام حسین 7 راه قیام را برگزیدند، امام سجاد 7 نیز راه افشاگری حکومت حاکمه با سبک بیان ادعیه‌ای با مضامین بسیار بالا را انتخاب نمودند و کتاب صحیفه سجادیه که از میراث گراندتر شیعه می‌باشد از آن حضرت به یادگار مانده است. در عصر امام محمد باقر 7 مقارن با سرآغاز راهیابی اندیشه‌های بیگانگان و فلسفه‌های مادی (بواسطه نهضت ترجمه) به قلمرو و مباحث علمی و کلامی بود و تنشهای فکری به تزلزل پایه‌های عقیدتی مردم کمک می‌کرد و حاکمیت طولانی امویان نالایق بر جهان اسلام پایه‌های علمی و معنوی جامعه را سست و بی‌بنیاد کرده بود چون آنها تا مدت‌ها مانع نقل حدیث بودند و هر روز قلمرو جغرافیایی اسلام گسترش می‌یافت بدون آنکه کسی مبانی دینی و فقهی را برای مردم بیان کند تا آنها با اصل اسلام بیشتر آشنا شوند و عقایدشان مستحکم گردد بسیاری از تازه مسلمانان که در اثر گسترش قلمرو اسلام مسلمان شده بودند از اصل مسلمانی چیزی نمی‌دانستند و اطلاعاتشان در مورد مبانی دین اسلام بسیار کم بود و پس لازم بود که کسی رهبری جامعه فرهنگی اسلام را برعهده بگیرد و یک پایگاه فرهنگی ایجاد کند. در این میان دو گروه برای انجام این وظیفه می‌توان در نظر گرفت: ۱- سیاست مداران و داعیان حکومت ۲- ائمه: که در این برهه زمانی امام باقر 7 و پس از ایشان امام صادق 7 بودند. داعیان حکومت به قدری درگیر بودند که اقدام برای تسخیر پایگاه سیاسی بر تنش‌های اجتماعی بیشتر می‌افزود و جامعه بی‌بنیاد و کم‌بینش را در ورطه فروپاشی قرار می‌داد. این شرایط زمینه را برای فعالیت علمی و ایجاد تحول فکری هموار می‌نمود از این رو امام باقر 7 به این هدف اصلی و بنیادین پرداخت و از اوضاع بی‌سامان حاکمان، در جهت تسخیر پایگاه فرهنگی جامعه استفاده نمود، با این حرکت و با در اختیار داشتن این پایگاه، هر طرح بایسته‌ای را می‌شد به فکر اندیشمندان و ذهن توده‌ها القا کرد و تجهیزات فکری لازم را در اختیار مصلحان جوامع اسلامی برای همیشه تدارک دید. «تسخیر فضای فرهنگی جامعه» عمده‌ترین خط مشی سیاسی-اجتماعی امام باقر 7 را به شمار می‌رود این برنامه به وسیله امام صادق 7 به اوج خود رسید اگر کتابهای رجالی و تراجم اهل سنت، با صراحت هر چه بیشتر درباره شخصیت علمی امام باقر و امام صادق 7 به ستایش و تمجید پرداخته آنان را یگانه عصر خویش و سرآمد فقه‌های اسلام شمرده‌اند نتیجه آن خط مشی بایسته است.^۱ با نگاهی کوتاه به مسانید فقهی و تفسیری شیعه به خوبی می‌توان دریافت که بخش زیادی از روایات فقهی، اخلاقی و تفسیری شیعه از امام محمد باقر 7 {و امام صادق 7} نقل شده است وسایل الشیعه

۱. احمد ترابی، امام محمد باقر 7 جلوه امامت در افق دانش، مشهد، آستان قدس رضوی، دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷.



و کتب تفسیری مانند البرهان از بحرانی و صافی از فیض کاشانی حاوی روایات زیادی در زمینه تبیین مسائل فقهی و توضیح آیات قرآن و شأن نزول آنهاست که از آن حضرت روایت شده است.^۱

۱-۲- آشنفتگی اوضاع سیاسی در زمان امام صادق ع یک فرصت طلایی

دوران امامت امام صادق ۷^{۲۳۳} یا ۳۴ سال بود به طور کلی دوران زندگی امام صادق ۷ از پر آشوب ترین دورانهای سیاسی تاریخ اسلام است در این دوره حکومت امویان در آخرین روزهای سیطره خونبار خود بود. زیرا که عباسیان بر علیه آنها برخاسته بودند و هر روز از گوشه‌ای فتنه‌ای به پا می کردند و درگیری‌ها و جنگ‌های دو گروه متخاصم تسلط بر جامعه را نسبت به زمان امام باقر ۷ کمتر کرده بود.^۴ امام صادق ۷ از این فرصت بهترین استفاده را نمود حتی در مورد امویان در اواخر حکومتشان با مطالعه تاریخ دیده می شود که جنگ و درگیری بین درباریان و خلفای امویان بسیار زیاد شده بود که از شدت سختگیری خلفا روی فعالیت های امام صادق ۷ می کاست.

در این دوران ۵ تن از خلفای اموی به خلافت رسیدند که عبارتند از: ۱- هشام بن عبدالملک از سال ۱۰۵ هجری تا سال ۱۲۵ هجری^۵ ۲- ولید بن یزید از سال ۱۲۵ هجری^۶ ۳- یزید بن ولید از سال ۱۲۶ هجری^۷ ۴- ابراهیم بن ولید از سال ۱۲۶ هجری^۸ ۵- مروان حمار از سال ۱۲۷ هجری تا سال ۱۳۲ هجری^۹ و در زمان این خلفای چندین قیام صورت گرفت که عبارتند از ۱- قیام زیدبن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب.^{۱۰} ۲- قیام یحیی بن زید^{۱۱} ۳- قیام بنی عباس^{۱۲} ۴- قیام ابو مسلم^{۱۳}. ای دوران دوران ضعف امویان بود پس از انقراض امویان عباسیان برمسند خلافت نشستند و ۲ تن از خلفای عباسی نیز همعصر با امام صادق ۷ بودند که عبارتند از: اولین خلیفه

۱. رسول جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، قم، انصاریان، اول، ۱۳۷۶، ص ۳۰۲.

۲. علی بن حسین علی السعودی، اثبات الوصیه الامام علی بن ابی طالب ۷، قم، الرضی، ۱۴۰۴، ق، ص ۱۶۰.

۳. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، قم، الرضی، سوم، ۱۳۶۳، ص ۱۱۱.

۴. عقیقی بخشایشی، امام صادق پیشوا و رئیس مذهب، تهران، نویداسلام، بی تا، ص ۶.

۵. ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، اخبار الطوال، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشرنی، سوم، ۱۳۶۸، ص ۳۷۷.

۶. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۱۵.

۷. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بی جا، علمی فرهنگی، سوم، ۱۳۶۲، ج ۲.

۸. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، صص ۲۲۳ و ۱۲۶۲ و ۳۰۶.

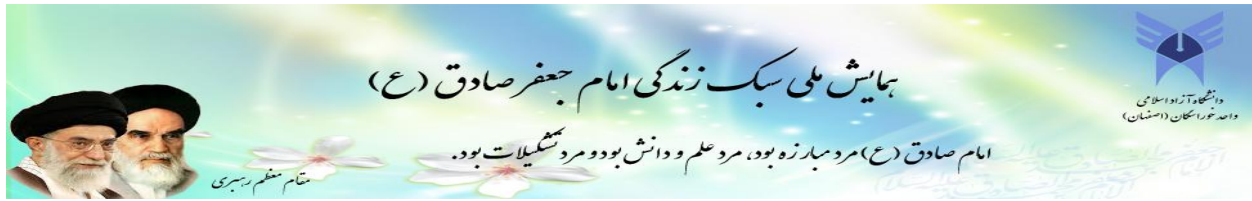
۹. همان، ص ۲۳۶.

۱۰. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، محقق: شیخ محمد باقر محمودی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، اول، ۱۳۹۷، ق، ج ۳، ص ۱۴۷.

۱۱. احمد بن یعقوب، ج ۲، ص ۳۰۶.

۱۲. علی بن حسین مسعودی، التنبيه و إلیاشراف، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی، سوم، ۱۳۸۱، صص ۳۱۹-۳۲۰.

۱۳. سید علی اکبر قریشی، خاندان وحی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۷۶، ص ۴۹۳.



عباسی ابوالعباس سفاح در سال ۱۳۲^۱ و پس از آن منصور در سال ۱۳۶ هجری به خلافت رسید.^۲ در این دوران نیز دو قیام مهم صورت گرفت که عبارتند از: قیام محمد نفس زکیه^۳ و قیام ابراهیم برادر نفس زکیه.^۴

تعدد خلفا، زمان کوتاه حکومت آنان و تعویض دائمی‌شان از یک سو و قیام‌های متعدد از سوی دیگر نشان دهنده اوضاع آشفته و نابسامان سیاسی عصر امامت امام صادق 7 می‌باشد.

۱-۳- علل عدم رویکرد امام صادق ع به فعالیت سیاسی

برخی به این باورند که عصر امام صادق 7 مناسب‌ترین دوران بود و اگر امام دست به ایجاد یک قیام مذهبی می‌زد طی آن خلافت به کسی که شایستگی عهده داری آن را از نظر خدا و رسولش داشت بر می‌گشت چرا که این عصر دوره بسیار حساسی در تاریخ اسلامی به حساب می‌آمد که در آن پرده‌هایی که زمان بر روی واقعیت‌ها و حقایق دینی کشیده بود کنار رفته بود، اما واقعیت غیر از این ادعاست^۵ هرگز شرایط برای قیام مسلحانه برای امام صادق 7 مهیا نبود زیرا، سیاست نخست امام صادق 7 یک سیاست فرهنگی و در جهت پرورش اصحابی بود که از نظر فقهی و روایی از بنیانگذاران فقه جعفری به شمار آمده است. تلاش‌های سیاسی امام در برابر قدرت حاکمه در آن وضعیت، در محدوده نارضایتی از حکومت موجود عدم مشروعیت آن و ادعای امامت و رهبری اسلام و خانواده رسول خدا 6 بود از نظر امام صادق 7 تعرض نظامی علیه حاکمیت، بدون فراهم آوردن مقدمات لازم که مهم‌ترینش کار فرهنگی بود - جز شکست و نابودی نتیجه دیگر نداشت. برای این کار به راه انداختن یک جریان شیعی و فراگیر با اعتقاد به امامت ما لازم بود تا بر اساس آن قیامی علیه حاکمیت آغاز و حصول به پیروزی از آن ممکن باشد و گرنه یک اقدام ساده و شتاب زده نه تنها دوام نمی‌آورد بلکه فرصت طلبان از آن بهره برداری می‌کنند چنانچه در جریان حرکتی زیدبن علی و پس از آن یحیی بن زید در خراسان به آن دست زدند، بنی عباس بیشترین بهره را برده و در عمل خود را به عنوان مصداق شعار «الرضا من آل محمد» تبلیغ می‌کردند. نتیجه کار بعدها معلوم شد؛ زیرا فقه جعفری، بنیانگذار تشیع نیرومندی گشت که روز به روز اوج بیشتری گرفت. زیدیه و خوارج که منحصرأ در خط سیاست کار می‌کردند طولی نکشید که دچار محدودیت فرهنگی شده و کم‌کم موضع نسبتاً نیرومند خود را از دست دادند و رو به افول گذاشتند و عباسیان به پیروزی رسیدند.^۶

۱. علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۳۱۹.

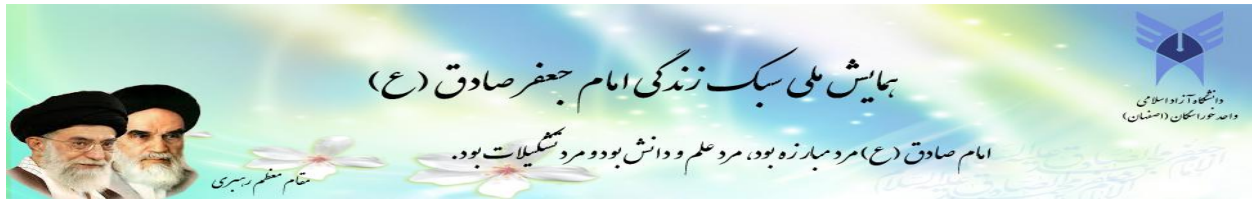
۲. احمد بن یعقوب، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، مترجم: علی بن عیسی زوارنی، مصحح: سید ابراهیم میانجی، تبریز، حاج محمد باقر کتابچی حقیقت، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۸۵.

۴. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۰.

۵. محمد تقی مدرس، هدایتگران راه نور (زندگینامه چهارده معصوم)، تهران، مجبان الحسین 7، اول، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۰۰.

۶. رسول جعفریان، ص ۳۶۵.



امام صادق 7 نشر فرهنگ و معارف دین را بر هر مقام و منصبی ترجیح می‌دادند و هدف ایشان بالا بردن افق فکری و معارف بشر بود و به این منظور از هیچ گونه فداکاری دریغ نداشتند.^۱

۲- امام صادق ع پدید آورنده یک فرهنگ جامع و سبکی از زندگی دینی

با توجه به جو سیاسی و اجتماعی آن زمان امام فعالیت آشکار خود را آغاز کرد همانطور که آمد ضعف بنی امیه و انتقال قدرت به بنی عباس امام را از خشم و حمله فرمانروایان و مراقبت شدید آنها در امان نگاه داشت. این عوامل به امام یاری رساند تا کار خود را با روش علنی و ظاهری انجام دهد آن حضرت فعالیت و کوشش خود را به مساعی عملی سخت کوشانه آغاز و حوزه فکری و ثمربخش خویش را که بزرگان فقها و متفکران عظیم از آن بیرون آمدند، در صفوف امت، افتتاح کرد و پس از او شاگردان مکتب ایشان به عنوان ثروتی فرهنگی برای امت بر جای ماندند.^۲

قبل از بیان پروژه های فرهنگی امام صادق 7 و نوع فعالیت های ایشان در احیاء، حفظ و گسترش سبک زندگی شیعی بهتر است اول به دلایل موفقیت آن حضرت اشاره کنیم تا فضای اجتماعی، علمی و فرهنگی آن زمان ملموس تر گردد. عوامل موفقیت آن حضرت عبارتند از:

الف: عصر امام باقر و امام صادق 7 عصر گسترش علوم اهل بیت: در زمینه های مختلف بود این مسأله درباره امام صادق 7 بیشتر صدق می‌کند و این به دلیل مصادف شدن بخشی از دوران امامت آن حضرت، با فضای باز سیاسی بود که در نتیجه خلاء سیاسی ناشی از انقراض حاکمیت نیرومند امویان از یک طرف و روی کار آمدن بنی عباس از طرف دیگر بوجود آمده بود.^۳

ب: دلیل دوم این بود که: امام محمد باقر 7 این نهضت فرهنگی را آغاز و زمینه را برای فعالیت های امام صادق 7 مهیا کرده بود (همانطور که قبلاً به آن اشاره شد).

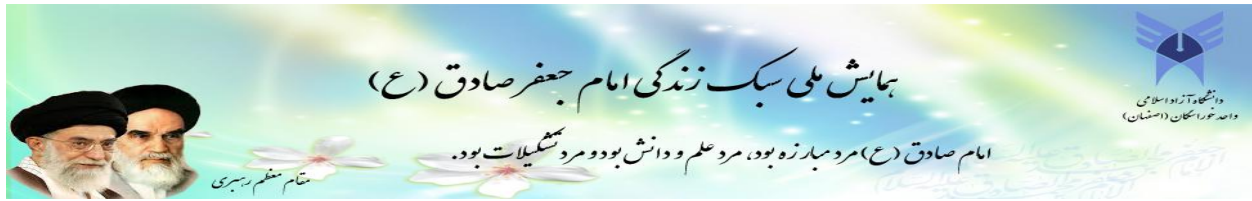
ج: به نظر می‌رسد فشارهایی که خلفای قبلی روی مسلمانان وارد کرده بودند و مانع رابطه آزادشان با ائمه شده بودند و نیز ممانعتشان از نوشتن احادیث باعث شده بود که مردم از آزادی ایجاد شده استقبال نمایند و برای استفاده از علوم الهی ائمه به سوی ایشان شتافته و از محضرشان بهره ببرند به همین دلیل در جلسه درس امام جعفر صادق 7 هزاران تن حضور داشتند بسیاری از شبهات مطرح می‌شد و توسط امام پاسخ داده شد.

د: از طرفی هم اهل تسنن به تکاپو افتاده بودند و باید موضع امام در این زمینه مشخص می‌شد تا صحت و سقم راهشان معین می‌گشت. لذا این نیز دلیلی بر کثرت فعالیت های امام صادق 7 شد که به موفقیت ایشان در این زمینه انجامید.

۱. حسین عمادزاده، زندگانی معلم کبیر حضرت جعفر صادق 7، تهران، گنجینه، دوم، ۱۳۶۲، ص ۲۰۹.

۲. عادل ادیب، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، بی جا، فرهنگ اسلامی، ششم، ۱۳۶۶، ص ۱۸۹.

۳. رسول جعفریان، ص ۳۴۵.



ه: از آنجا که آن حضرت مدینه را به عنوان مرکز فعالیت علمی - فرهنگی خود انتخاب کرده بودند این مسأله دستیابی مردم را به ایشان آسان می ساخت چرا که آن شهر مدینه به مثابه عصب حساس جهان اسلام به شمار می آمد و هر ساله گروههای بسیاری از مسلمانان برای ادای مناسک حج و رفع مشکلات و مسائل علمی و نظری خود به حرمین (مکه و مدینه) رهسپار می شدند و در آن جا بود که آنان با امام صادق 7 و مدرسه بزرگ آن حضرت برخورد می کردند و هر آنچه را که می خواستند در نزد آن حضرت می یافتند.

امام صادق 7 با دقت نظر در شرایط جامعه و یک برنامه ریزی هدفمندانه فعالیت های خود را در جهت بالا بردن سطح علمی - فرهنگی و با دیدگاه احیاء، گسترش و حفظ سبک زندگی دینی مسلمانان و بالأخص شیعیان آغاز نمودند و برنامه های خود را در قالب 6 پروژه عظیم به انجام رساندند که عبارتند از:

الف: امام صادق ع و رویارویی با فرهنگ های بیگانه و نهضت ترجمه

ب: مناظره، راهی برای حفظ سبک زندگی دینی شیعیان

ج: امام صادق ع و رویارویی بامبانی نادرست مکتب حنفی

د: امام صادق ع و مبارزه با غالیان برای حفظ سبک زندگی دینی شیعیان

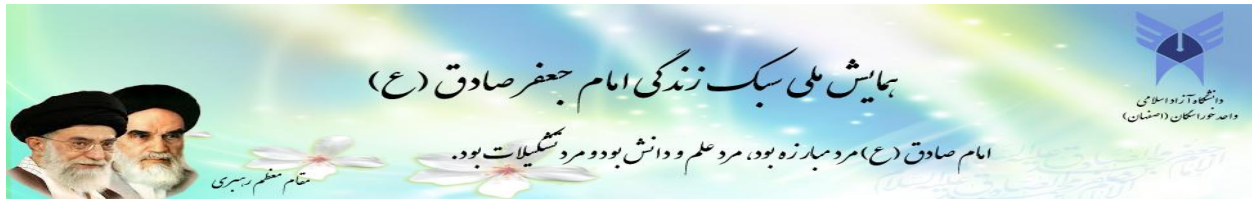
ه: امام صادق ع و تربیت افسران جنگ نرم

و: شکل گیری فقه جعفری و سبک جدید زندگی دینی شیعیان

۱-۲- امام صادق ع و رویارویی با فرهنگ های بیگانه و نهضت ترجمه

از آنجا که هدف امام صادق 7 بوجود آوردن یک فرهنگ جامع شیعی و سبک صحیح زندگی دینی بود لذا در این راه هر چه در توان داشتند به کار بستند و از راههای مختلفی به مبارزه با موانع پرداختند. یکی از موانع، تهاجم فرهنگی بیگانگان بود که امام با درایت خویش یا به روش گفتگو که در غالب مناظره بود.

یکی از طرح های فرهنگی امام صادق 7 رویارویی درست با فرهنگ های بیگانه ای بود. فتوحات اسلامی موجب شد تا برخوردهای نیرومندی میان مسلمانان و تازه مسلمانان پدید آید. از آن جا که بیشتر مسلمانان درک و بینش شایسته و استوار از اسلام نداشتند گاهی این برخوردها به نتایج منفی می انجامید و مسلمانان را به دو گروه تقسیم می کرد: گروه اول: محافظه کاران و قشر گرایانی بودند که تنها جنبه ظاهری دین را گرفته و از فهم جوهر و حقیقت آن باز مانده بودند. این ها عقل و خرد خود را همراه با آن معیارها گم کرده بودند. گروه دوم تندروهایی بودند که شدیداً از وضع موجود در جامعه تأثیر پذیرفته بودند اینان معیارها را به کناری افکنده و



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

تنها به آنچه عقلهای کوتاه شأن برحسب اختلاف گرایشها و دگرگونی شرایط به آنان دیکته می کرد^۱ اکتفا کرده بودند. اعراب در آن روزگار با اندیشه های یونانی هیچ گونه آشنایی نداشتند و تنها شمار اندکی از مسلمانان که تمام ابعاد فلسفه نظری امام را درک کرده بودند و به وجود تفاوت میان آنها و دیگر تئوری ها پی بردند، می توانستند با اقامه دلیل و برهان اصول فکری اسلام را اثبات کنند و اصول و تئوری های دیگر مکاتب را درهم بکوبند این عده اندک، با کسانی برخورد می کردند که معلومات آنها بر مجموعه ای از احادیثی که از ابوهریره و امثال او روایت شده بود محدود بود و اصلاً به مناقضات فراوانی که در آنها به چشم می خورد توجه نشان نمی دادند و خود را بر حق گمان می کردند از این رو هر کدام حزبی راه می انداخت و مردم را پنهانی دعوت می کرد با وجود این شرایط نیاز به معلمی نمونه چون امام صادق 7 کاملاً احساس می شد. تا خط مشی مسلمانان را تعدیل کند و راه درست را به آنها نشان دهد. امام بر خود لازم می دید که در برابر این گروهها به ستیز برخیزد و اوهام باطل آنها را از هم بشکافد آن حضرت برای رسیدن به این هدف سه طرح خردمندانه ترسیم نمودند تا سبک زندگی مسلمانان و بالأخص شیعیان در رویارویی با فرهنگ های بیگانه آسیب نیند که عبارتند از:

۱- او قسمتی از مدرسه اش را به کسانی اختصاص داد که از فلسفه یونان بالأخص و سایر فلسفه ها بالأعم آگاهی داشتند و به خوبی از نظر اسلام درباره آنها و دلالتی که آن فلسفه ها را نقص می کرد آگاه بودند کسانی همچون هشام بن حکم متکلم پرآوازه و عمران بن ایمن دیگر مشاهیر علم و حکمت و کلام که به معیارهای نظری اسلام نیز آگاه بودند .

۲- آن حضرت به نوشتن رساله هایی همچون « توحید مفصل » و « اهلحجه » و ... اقدام کرد.

۳- رویارویی شخصی با سران اندیشه های الحادی .

طرح سوم مؤثرترین طرح بود پس حضرت با افرادی مثل ابن ابی العوجاء و ابن طلوت و ابن اعمی و ابن مقفع و ... روبرو شد.^۲

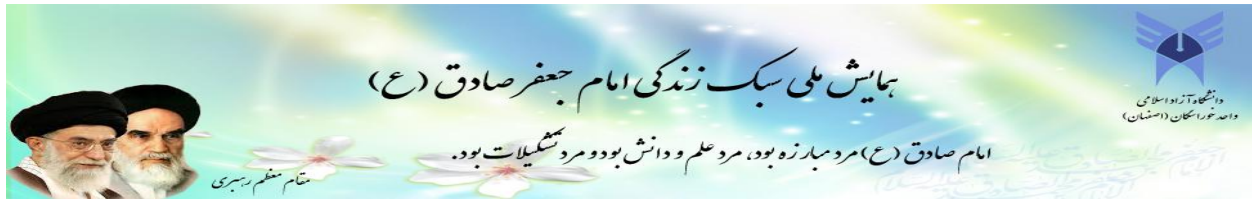
۲-۲- مناظره، راهی برای حفظ سبک زندگی دینی مسلمانان

وقتی امام صادق 7 نهضت علمی خود را گسترش داد هزاران پژوهنده دانش با اشتیاق فراوان از راههای دور و نزدیک به مدینه آمدند. حتی بسیاری از متفکران غیر اسلامی نیز برای مناظره و بحث علمی خدمت امام می رسیدند و حضرت با آنان مناظره می نمودند. در این زمان علم کلام رونق فراوانی داشت لذا امام از این راه نیز به ترویج فرهنگ اسلامی و شیعی پرداختند و هر جا لازم بود و شرایط فراهم می شد مناظره می نمودند. تعدادی از مناظرات امام صادق 7 بین ایشان و زنادقه روی داد و تعدادی نیز مناظراتی است که به درخواست منصور عباسی بین امام و کفار یا بزرگان اهل سنت رد و بدل می شد.^۳ برخی از این مناظرات عبارتند از:

۱. محمدتقی مدرسی، ج ۲، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۸۶ تا ۸۵.

۳. غیر از این موارد امام صادق (ع) مناظرات دیگری نیز با شاگردان و اصحابشان و سایر مسلمانان داشته‌اند.



- مناظره امام صادق 7 و ابن ابی العوجاء^۱

- مناظره امام صادق 7 با عبدالملک زندیق^۲

- مناظره امام صادق 7 با طیب هندی^۳

...

۲-۳- امام صادق ع و رویارویی بامبانی نادرست مکتب حنفی

آغاز شکل گیری نخستین مذهب های فقهی اهل تسنن را پروفیسور مادلونگ به زمان امامت امام باقر 7 نسبت می دهد وی در این باره می گوید «در دورانی که نخستین مذهب های فقهی اهل تسنن شکل گیری خود را آغاز کرده بودند شیعیان متعهد کوفه به دامن محمد باقر 7 دست زدند تا دشواریهای شرعی و دیگر مسائل مذهبی مورد اختلاف را در پرتو دانشمندترین کس از خاندان پیامبر 6 آسان سازند.»^۴

مؤسس مذهب حنفی، ابوحنیفه نعمان بن ثابت معروف به امام اعظم است که جدش ایرانی و از مردم کابل یا طخارستان بود و خودش در نساء^۵ یا کوفه^۶ زاده شد. او در کنار پارچه فروشی یا تجارت به کسب علم و دانش پرداخت و از شاگردان امام صادق 7 بود و ی دو سال نزد امام صادق 7 شاگردی کرد و علوم فراوانی را از امام فرا گرفت و خودش اعتراف کرده است که اگر آن دو سال شاگردی نزد امام صادق 7 نبود هلاک می شد (كَوْلَا اَلْسَانَ لَهْلَكَ التُّعْمَانُ)^۷

ابوحنیفه فردی بود که در تمسک به رأی و قیاس گوی سبقت را از دیگران ربوده بود و اساساً مکتب فقهی او در عراق مشهور به مکتب رای بود.

امام صادق 7 ابوحنیفه را از بکار گیری قیاس نهی کرد و او را شدیداً مورد انتقاد قرار داد و گفت: اطلاع یافته ام که تو در دین بر اساس قیاس نظر می دهی این روش را رها کن چرا که نخستین کسی که به قیاس دست زد ابلیس بود^۸ در عصر ابوحنیفه مناظره ها و جدالهای فکری به بالاترین حد خود را رسیده بود و ابوحنیفه در بحث و جدل نیرومند و چیره دست بود و به تمامی ابزارهایی که او را غالباً در مناظره ها پیروزی می کرد مجهز بود. و مالک بن انس او را چنین توصیف می کند: مردی را دیدم که اگر به هنگام سخن

۱. علی بن عیسی اربلی، ج ۲، صص ۴۰۱-۴۰۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، مترجم: محمد باقر کمره‌ای، تهران، اسوه، دوم، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۲۱۴-۲۱۳.

۳. ابن بابویه محمد بن علی، شیخ صدوق، خصال، مترجم: آیت الله کمره‌ای، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۲.

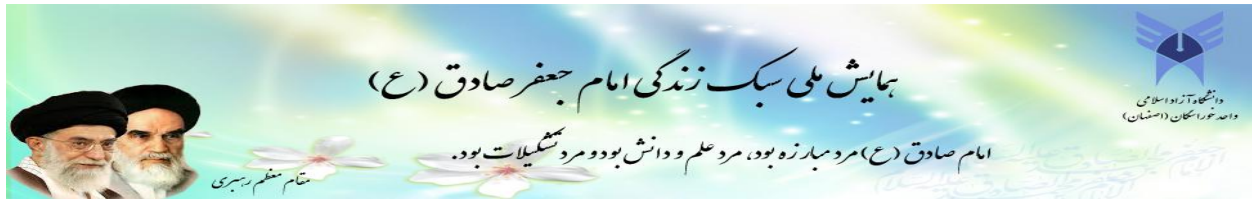
۴. پرفیسور مادلونگ، فرقه های اسلامی، مترجم: ابوالقاسم سری، ایرانشهر، اساطیر، اول، ۱۳۷۷، ص ۱۲۸.

۵. اسد حیدر، امام صادق و مذاهب اربعه، مترجم: حسن یوسفی اشکوری، تهران، شرکت سهامی انتشار، اول، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۱۰.

۶. سیدحسن موسوی، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱، ص ۶۱.

۷. محمد حسین مظفر، صفحاتی از زندگانی امام صادق (ع)، مترجم: سیدابراهیم سیدعلوی، تهران، رسالت قم، دوم، ۱۳۷۲، ص ۱۰۴.

۸. اسد حیدر، ج ۱، ص ۲۹۸.



گفتن با تو ادعا می کرد که این میله طلاست، دلیل و برهان بر اثبات مدعایش می آورد. بدیهی است که این آدم در عرصه بحث کامیاب است و به شهرت و اعتبار دست می یابد.^۱

با این همه وی در مناظره با امام صادق 7 کاملاً مغلوب امام می شد زیرا علم او در برابر امام حتی قطره در برابر دریا هم نبود و به این ترتیب تکلیف سایر رقبای ابوحنیفه که مغلوب وی بوده اند کاملاً مشخص است.

علامه مجلسی؛ در بحار الانوار مناظره ای از امام صادق و ابوحنیفه را آورده است که طی آن امام نشان می دهد که استفاده از قیاس چگونه فقیه را به آراء و فتوایی بر ضد احکام ثابت اسلام وامی دارد.^۲

ابوحنیفه درباره امام صادق 7 چنین گفت: «ما رأیتُ أفقه من جعفر بن محمد وإنه أعلم الأم». من هرگز فقیه تر از جعفر بن محمد ندیده ام او اعلم امت اسلامی است.^۳

فقه‌های اهل سنت هر کدام با کلام شان اعتماد خود را به امام صادق 7 اثبات کرده اند. مالک بن انس درباره آن حضرت گفته است: در فضیلت و دانش و عبادت و پارسایی هیچ دیده ای مانند جعفر بن محمد را ندیده و هیچ گویی توصیف آن را نشنیده و بر هیچ قلبی خطور نکرده است و بسیار شخص خوش مشرب و پرفایده ای بود.^۴ اطمینان ابوحنیفه به امام صادق نیز از نقل زیر به دست می آید:

روزی ابوحنیفه حدیثی از امام صادق 7 شنید و از محضر آن حضرت خارج شد از او پرسیدند چرا از جعفر بن محمد در زمینه واسطه موجود میان او و رسول خدا 7 نپرسیدی؟ ابوحنیفه گفت: حدیث را به همین شکل قبول دارم.^۵

امام صادق 7 در برابر چنین مکتب فقهی، موضع مخالف گرفتند و بیشترین بخش فعالیت های فرهنگی خود را در این زمینه اختصاص به مخالفت با رای و قیاس قرار دادند به طوری که روایات متعددی در این زمینه از آن حضرت نقل شده (مانند نمونه فوق) همچنین امام اصحاب خویش را از مجالست با اهل رای به صورتی که تحت تأثیر آنها قرار گیرند باز می داشت.^۶

۲-۴- امام صادق ع و مبارزه با غالیان برای حفظ سبک زندگی دینی شیعیان

غلو بر وزن فُعُول به معنای افراط، ارتفاع، بالارفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیزی می باشد.^۱ کلمه غلو و مشتقات آن دو بار در قرآن به معنی، غلو در دین آمده است.

۱. همان، ص ۳۹۷.

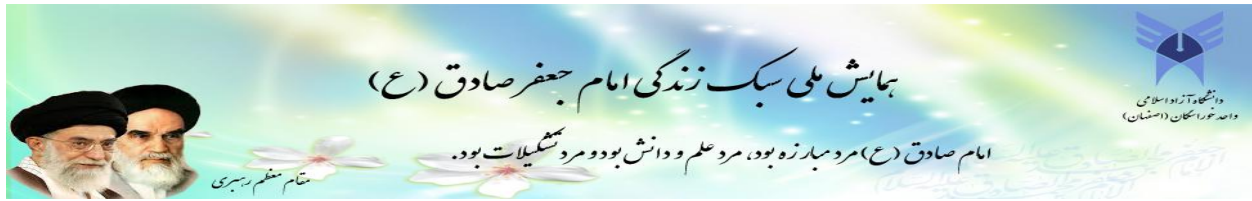
۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۲۱۲ (باندکی تلخیص).

۳. رسول جعفریان، ص ۲۰۳.

۴. سید محسن امین، سیره معصومان، مترجم: علی حجتی کرمانی، تهران، سروش، دوم، ۱۳۷۶، ص ۶۶.

۵. محمد بن محمد بن نعمان، امالی شیخ مفید، محقق: علی اکبر نهایندی، قم، بی نا، اول، ۱۴۰۳ق، صص ۲۱-۲۲.

۶. محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران، المکتبه الاسلامیه، بی تا، ج ۱۸، ص ۶۶.



إيا اهل الكتاب لا تغلوا في دينكم و لا تقولوا على الله إلا الحق إنما المسيح عيسى ابن مريم رسول الله و كلمته اليها الى مريم و روح منه فآمنوا بالله و رسوله و لا تقولوا ثلثه انتهوا خيراً لكم إنما الله واحد سبحانه ان ليكون له ولد...^۱ این آیه درباره مسیحیان است که پیامبر خود حضرت عیسی^۲ را از حد فراتر برده، او را پسر خدا دانستند و قائل به خدایان سه گانه یعنی پدر و پسر و روح القدس شدند.

إقتل یا اهل الكتاب لا تغلوا في دينكم غير الحق و لا تتبعوا أهواء قوم ضلوا من قبل و أضلوا كثيراً و ضلوا عن سبيل الله^۳
 غلو انحراف عمیقی بود که اساس دین را مورد تهدید قرار داده بود آن گونه که غلات می اندیشیدند هیچ امری از دین نه از اصول و نه از فروع از تحریف و تغییر ایمن نمی ماند و این اغراق برای شیعیان خطرناک بود زیرا نه تنها از درون سبب ایجاد آشفتگی در عقاید شیعه می شد و آن را منزوی می کرد بلکه شیعه را در نظر دیگران انسانهایی بی قید و بند نسبت به دین نشان داده و بدینی همگان را نسبت به شیعیان بوجود می آورد زیرا غالیان می کوشیدند تا با رخنه درون شیعه آن را از داخل متلاشی کرده و چهره خارجی آن را خراب کنند.^۴

۲-۴-۱- برخی غلات زمان امام صادق ع

کریه: که یاران ابن کرب معرفی شده اند وی معتقد بود محمد بن حنفیه ملقب به مهدی است و این لقب را پدرش علی به او داده، او نخواهد مرد و اصلاً مردن در او امکان پذیر نیست لیکن هم اکنون غایب شده و مکان او معلوم نیست او ظهور خواهد کرد و مالک زمین خواهد شد و تا رجوع او هیچ امامی نخواهد بود این فرقه زیر فرقه کیسانیه مطرح شده است.^۵
 امام صادق^۶ درباره آنها چنین را فرمود: « هل أتبئكم على من تنزل الشياطين تنزل على كل أفاك أثيم » امام این آیه را بر آنان تطبیق نموده و فرمودند: شیطان بر آنها نازل می شود.^۶

مغیره: این فرقه منسوب به مغیره بن سعید بحلی است

عقاید بسیار مسخره و خرافی به مغیره نسبت داده شده است از جمله: او خود را پیامبر می دانست و می گفت: می تواند با اسم اعظم مردگان را زنده کند و خدا را مانند مردی دارای اعضا و جوارح و تاج می دانست.^۷ وی بسیاری از آیات قرآن را تأویل می کرد.

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المرتضویه، اول، بی تا، ۳۶۵.

۲. نساء/۱۷۱.

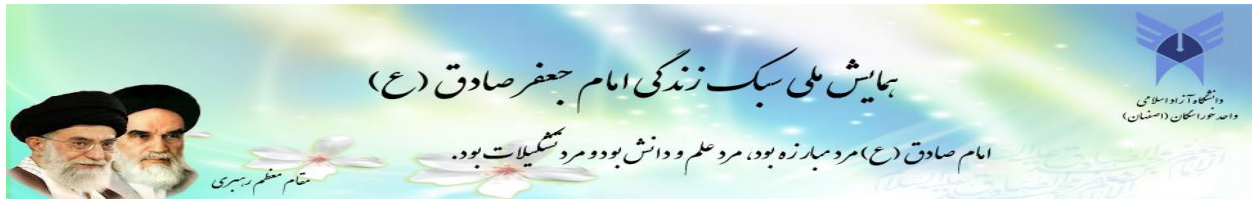
۳. مائده/۷۷.

۴. رسول جعفریان، تاریخ خلفا از رحلت پیامبر تا زوال امویان، قم، الهادی، دوم، ۱۳۷۸، ص ۶۳۲.

۵. محمدحسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه نو بختی، مترجم: محمدجواد مشکور، بی جا، علمی فرهنگی، ۱۳۶۱، صص ۴۴-۴۵.

۶. نعمت الله صفری فروشانی، کاوشی در جریانها و برآیندهای غالیان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، اول، ۱۳۷۸، ص ۹۱.

۷. محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، سوم، ۱۳۷۵، ص ۲۴۴.



امام صادق 7 بارها به اصحاب خود خطر آنها را گوشه زد می کرد و ضمن لعن مغیره ، از اصحاب می خواست که احادیث ائمه را بر قرآن و روایات قطعی عرضه کنند و هر آنچه مخالف با قرآن و سنت قطعی است، آنها را رد کنند و بدانند که از جعلیات مغیره و اصحابش می باشد.^۱

بیانیه: این گروهی منسوب به « بیان بن سمعان تمیمی نهدی » است که پاره ای از اعتقادات وی عبارتند از:

وی آیه ۷ هذابیان^۲ لِناس^۳ Φ را بر خود منطبق می نمود و آن را دلیل بر اثبات پیغمبری خود می دانست^۴ و معتقد بود که روح خدا خدا در علی فرود آمد و بعد از علی 7 در محمد حنفیه و پس از او در ابو هاشم و پس از وی در بیان. وی همچنین قائل بود که خداوند مانند یک انسان است و بالاخره همه قسمت های بدن او غیر از صورتش نابود می شود چرا که قرآن می گوید: *لَا شَيْءٌ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهٌ* Φ^۴ هر چیزی جز وجه خداوند نابود می شود و نیز در قرآن آمده: *لَا كَلُومَ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ* Φ^۵ هر آنچه در روی زمین است فانی است و تنها وجه خداوند صاحب جلال و اکرام باقی است.

وی امام باقر و امام صادق 3 را دعوت به اقرار به نبوت خود کرد که امام باقر 7 برای نشان دادن شدت کفر این ادعا به نامه رسان که عمر بن عفیف از دی نام داشت، دستور داد نامه را بخورد و او خورد و او در همان دم به هلاکت رسید.^۶ مخالفت جدی امام باقر 7 با این فرقه نشان دهنده مخالفت قطعی امام صادق 7 نیز می باشد .

منصوریه: این فرقه منصوب به ابو منصور عجلی از تیره بنی عجل کوفه می باشد ابو منصور فردی بادیه نشین و بی سواد بود و بعد از شهادت امام باقر 7 ادعا کرد که امام زین العابدین او را وصی و جانشین امام باقر قرار داده است او امام علی 7 و امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین و امام محمد باقر: را پیامبر و رسول می دانست و معتقد بود که پس از خودش شش نفر از فرزندان او به پیامبری می رسند که آخرین آنها قائم است. عقاید دیگری نیز به او نسبت داده اند که همگی مخالف با موازین اسلامی و شیعه است. به هر حال ابو منصور با این عقاید باطل بارها مورد لعنت امام صادق 7 قرار گرفت و حضرت از او بیزاری جست.^۷

خطابیه: این فرقه منسوب به شخصیتی به نام محمد بن مقاص اسدی کوفی بزاز معروف به ابو خطاب می باشد. او یکی از موالی و دارای شغل پارچه فروشی بود در ابتدا از اصحاب امام صادق 7 به شمار می رفت اما پس از چندی منحرف شد وی مهمترین و گرافه گوترین فرقه غالیان را تشکیل داد به گونه ای که همه فرقه های غلات قبل و بعد از خود را تحت الشعاع قرار داد و بسیاری از غلات

۱. نعمت الله صفری فروشان، صص ۹۵-۹۴.

۲. آل عمران/۳۸.

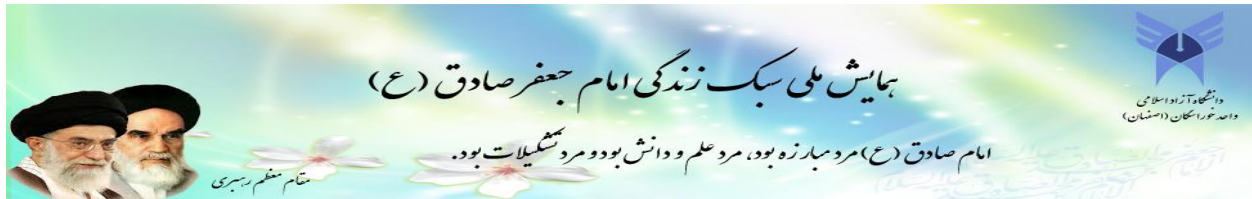
۳. ابو محمد حسن بن موسی نوبختی، ص ۵۰.

۴. قصص/۸.

۵. الرحمن/۲۶-۲۷.

۶. ابو محمد حسن بن موسی نوبختی، ص ۵۱.

۷. نعمت الله صفری فروشان، صص ۱۰۲-۱۰۱.



پس از او عقاید خود را از او اقتباس کردند. از بدترین کارهایی که ابوالخطاب به پیروی از مغیره بن سعید انجام می داد این بود که احادیثی با سند جعل می کرد و آن را در کتب اصحاب ائمه و به نام ائمه جای می داد و نیز به علت عقاید باطل او احادیث بسیاری در رد او از سوی ائمه: وارد شده است.

امام صادق 7 در مورد او فرمود: خدا ابوالخطاب را لعنت کند و نیز فرمود: لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر ابوالخطاب باد.^۱
 برخی از عقاید ابوالخطاب عبارتند از: اعتقاد به الوهیت امام صادق 7 و خود را وصی آن امام می دانست.^۲ اعتقاد به تناسخ همچنین در بعد احکام به طور کلی بی بند و بار بود و همه محرمات از قبیل زنا و لواط و دزدی و شرابخواری را مجاز می دانستند و اصولاً شهوات را نور می شمردند و واجبات از قبیل نماز، روزه، زکات و حج را انجام نمی دادند و می گفتند: واجبات کنایه از مردانی است که باید ولایت آنها را قبول کنیم و محرمات کنایه از مردانی است که باید ولایت آنها رد کنیم. یاران ابوالخطاب می گفتند: در هر زمانی باید دو پیامبر باشد که یکی ناطق و گویا و دیگری صامت و خاموش است مثلاً محمد 6 رسول ناطق و علی 7 رسول خاموش بود.

۲-۴-۲- اقدامات امام صادق ع در برابر غالیان

امام صادق 7 و پس از ایشان سایر ائمه: به شدت در برابر غالیان ایستادگی کردند قیام علمی امام برای تهذیب شیعه و حرکت در جهت نفی غلو و دور کردن شیعیان از جریان غلو از مهمترین اقدامات امام صادق 7 برای حفظ فرهنگ اصل اسلام {و سبک زندگی دینی شیعیان} است و نیز از جمله اقدامات امام، دور کردن شیعیان اصیل از غالیان منحرف بود. زیرا وجود ارتباط میان آنها و جاذبه های احتمالی موجود در غلات می توانست کسانی از شیعیان را به سوی غلو بکشاند، بویژه که غالیان به دروغ خود را مرتبط به امامان معرفی کرده و در برابر تکذیب امامان اظهار می کردند که این تکذیب صرفاً از روی تقیه است و این امر در فریب شیعیان ساده دل مؤثر بود. به همین دلیل امام به یارانشان فرمود: با غلات نشست و برخاست نکرده و هم غذا نشوید و همراهشان چیزی ننوشید و با آنها مصافحه نکنید.^۳ امام صادق 7 وظیفه مهم حفظ و صیانت شیعه از انحراف را در رأس برنامه خود قرار داد و آن را از تأثیر پذیری در برابر انحرافات موجود عصر خود، که خلوص فکری و عقیدتی و استقلال مکتبی شیعه را به طور مداوم مورد تهدید قرار می داد باز داشت.^۴

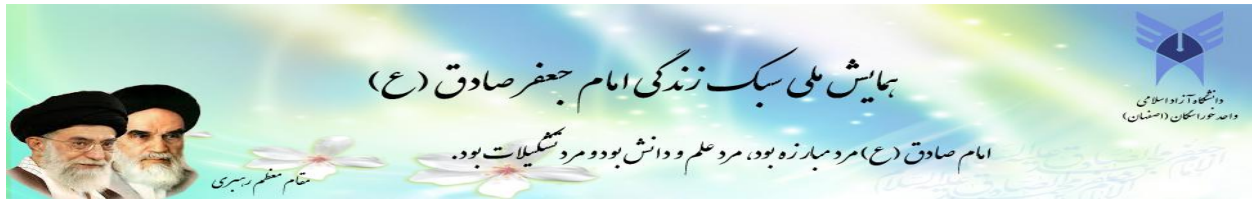
۲-۵- امام صادق ع و تربیت افسران جنگ نرم

۱. همان، ص ۱۰۵.

۲. ابو محمد حسن بن موسی نوبختی، ص ۵۷.

۳. رسول جعفریان، تاریخ خلفا، ص ۶۳۳.

۴. رسول جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ص ۲۲۵.



آنچه تاکنون بیان کردیم خود گویای آن است که امام صادق 7 در برهه خاصی از زمان می زیسته اند که اوضاع فرهنگی زندگی مسلمانان و بالأخص شیعیان از چندین زاویه مورد تهدید و حمله قرار گرفته بود که اگر آن حضرت غیر از جهاد علمی و فرهنگی هر راه دیگری را برمی گزیدند سبک زندگی دینی مسلمانان و شیعیان به واسطه تهاجمات فرهنگی (ترجمه کتب فلسفی و کلامی و...) یا پندار های غلط تازه مسلمانان یا جهل مسلمانان جاهل و یا طرز فکر منافقان و مقرضان به بیراهه می رفت. از این رو آن حضرت به شیوه هایی که در قسمت های قبل بیان شد به مبارزه با مشکلات فرهنگی جامعه پرداختند یکی دیگر از اقدامات بسیار مهم آن حضرت در حفظ فرهنگ و سبک زندگی مسلمانان پرورش شاگردان و تربیت افسرانی کار آزموده برای این جنگ نرم بود. آن حضرت دانشگاه عظیمی در رشته های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز بنیان گذارد و شاگردان بزرگی تربیت کرد که تعدادشان به چهار هزار نفر می رسید. اگر کمی دقت کنیم ملاحظه می شود که این تعداد بسیار زیاد است چگونه آن حضرت توانستند این تعداد شاگرد را در مدت زمان کمی تربیت کنند؟ آن هم شاگردانی که از نقاط مختلف جهان و از اصناف گوناگون مردم گرد آن حضرت جمع شدند. لذا ابتدا این مسأله را بررسی نموده و سپس به معرفی تعدادی از شاگردان معروف آن حضرت می پردازیم.

۲-۵-۱- علل تجمع دانش طلبان گرد امام صادق ع

۱- از جمله علت های تجمع زیاد دانش طلبان گرد امام این است که امویها برخوردی به غایت سرسختانه با اهل بیت و فقه آنها داشتند و کار به جایی رسیده بود که برخی فقها وقتی ناگزیر می شدند حدیثی را به منبع آن اسناد دهند وقتی از امام علی 7 بود می گفتند: ابوزینت گفت.^۱

۲- دلیل دیگر آن که امام صادق 7 از فاصله زمانی انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس که نسبتاً مدت زمان خوبی بود استفاده نمود و دست به تشکیل دانشگاه بزرگ اسلامی زد و مدینه را که محیط وحی بود مرکز دانشگاه خود قرار داد و مسجد پیامبر را محل تدریس خود نمود.^۲ یعنی ایشان با استفاده از فرصت و تعصبات دینی مردم شاگردان زیادی را اطراف خود جمع کرد و علوم مختلف را به آنها تعلیم داد.

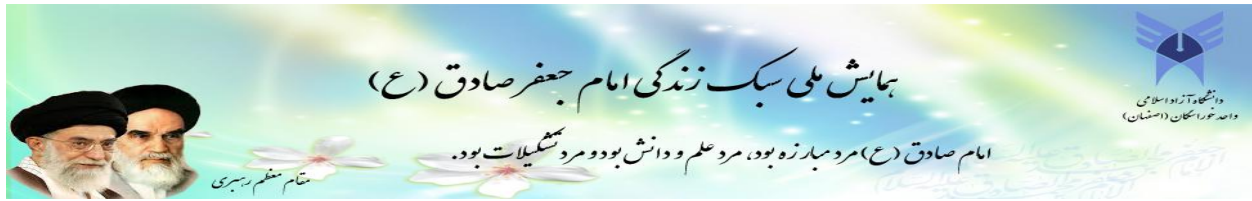
۳- در زمان حضرت صادق 7 فلسفه یونان و همچنین مباحث مختلف از قبیل جبر و تفویض و قضا و قدر و حدوث و قدم جهان و غیره به صورت فلسفی پا به میان گذارده بود و لازم می آمد که آن حضرت مطالب مذکور را به نحو صحیح و ساده به اصحاب خود تفهیم کنند و شاگردانی متبحر تربیت بنماید.

شاگردانی که هر یک از آنها می توانستند با دانشمندان مادی گرا و غیره مباحثه نموده آنها را مغلوب نمایند.^۳

۱. هاشم معروف الحسینی، زندگی دوازده امام، مترجم: محمد رخشنده، تهران، سراسر، اول، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲. سیدمحمدحسین موسوی کاشانی، بر امام صادق و امام کاظم چه گذشت؟، قم، مؤلف، اول، ۱۳۷۳، ص ۱۷.

۳. فضل الله کمپانی، حضرت صادق 7، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول، بی تا، ص ۱۵۱.



در این باره نمونه های زیادی در تاریخ نقل شده از جمله شخصی از اهل شام به نزد حضرت 7 شرفیاب گردید و مناظره با آنحضرت را خواستار گردید حضرت در هر موضوعی وی را به فردی از شاگردانش متوجه نمودند. راجع به اعراب و حرکات و سکون قرآن علم القرائه . به حمران بن اعین، در علم عربیت به ابان بن تغلب در فقه به زراره در کلام به مؤمن طاق ، در موضوع استطاعت (جبر و اختیار) به طیار ، در توحید به هشام بن سالم ، در موضوع امامت به هشام بن حکم، وی در برابر همگی اینان مغلوب گشت.^۱

۴- از طرفی نیز اسلام با مرزهای آبی و خاکی مبارزه کرده بود و وطن را وطن اسلامی تعبیر می کردند که هر جا اسلام است آن جا وطن است و در نتیجه تعصبات نژادی تا حدود بسیار زیادی از میان رفته بود به طوری که نژادهای مختلف با یکدیگر همزیستی داشتند و احساس اخوت و برادری می کردند.^۲

۵- امام صادق 7 از شرایط آرامی که در ابتدای حکومت بنی عباس بود به خوبی استفاده کرد. دانش طلبان محدثین و کسانی که دنبال مناظره در عقاید بودند از هر سوی به مدینه آمدند به طوری که علاوه بر کسانی که به قصد مناظره در موضوع های گوناگون با ایشان به حضور آن حضرت می رسیدند لذا تعداد شاگردان ایشان بالغ بر چهار هزار نفر گردید.^۳

۲-۵-۲- امام صادق ع و تشکیل دانشکده های تخصصی

امام صادق 7 توانستند از این تعداد دانش طلب دانشگاهی ایجاد کند که شامل چندین دانشکده در رشته های گوناگون از قبیل فقه ، اصول ، تاریخ ، فلسفه ، معارف مختلف اسلامی و علوم طبیعی باشد.^۴

امام صادق 7 شاگردان خود را دسته دسته نمودند و به هر دسته ای درس مخصوص می دادند به عده ای فقه به عده ای علوم قرآنی، تفسیر، کلام، جغرافیا، حساب، شیمی و . . . آن حضرت شاگردان خود را به جامعه شیعه معرفی فرموده و لیاقت آنها را در اموری که به آنها محول شد بود تایید می کرد مثلاً « ابان بن تغلب » وظیفه داشت که در مسجد بنشیند و فقه آل محمد 6 را به مردم یاد دهد و فتاوی امام صادق 7 را به اطلاع مردم برساند. «حمران بن اعین » مسئول جوابگوی سؤالاتی بودند که درباره قرآن می شد. «زراره بن اعین» متصدی مناظرات فقهی بود «مومن طاق» بحث های کلامی را به عهده داشت و « هشام بن حکم » در بحث عقاید و به خصوص بحث مربوط به امامت انجام وظیفه می کرد.^۵

برای درک عظمت گوشه ای از آن دانشگاه بی همتای اسلامی کافی است گفته شود «اصول چهارگانه» حدیث و معارف اسلامی که تنها منبع اصلی و اصیل کتابهای معتبر چهارگانه « کافی » شیخ کلینی « من لایحضره الفقیه و تهذیب » ابن بابویه « استبصار » شیخ طوسی قرار گرفته است محصول مستقیم شاگردان با کفایت این امام و پیشوای صادق 7 بوده است. در مکتب تربیتی امام 7:

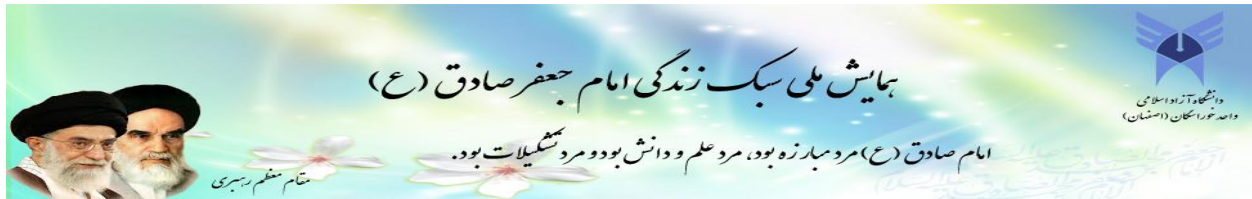
۱. علی محدث زاده، اصحاب امام صادق 7، تهران، مدرسه جهلستون، اول، ۱۳۷۳، ص ۴۰۴.

۲. مرتضی مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار، قم، صدرا، دهم، ۱۳۷۴، ص ۱۴۱.

۳. هاشم معروف الحسینی، ج ۲، ص ۲۵۸.

۴. محمد تقی مدرس، امامان شیعه و جنبشهای مکتبی، مترجم: احمد رضا آذیر، مشهد، آستان قدس رضوی، چهارم، ۱۳۷۸، ص ۱۷۵.

۵. سیدمحمدحسین موسوی، بر امام صادق و امام کاظم چه گذشت؟، ص ۱۴.



شاگردان برجسته ای همچون ابان بن تغلب، محمد بن مسلم و زراره بن اعین پرورش یافتند که نخستین اینان بیش از ۳۰ هزار حدیث و دومینشان بیش از ۱۲ هزار حدیث از امام صادق ۷ و سومین آنها بیش از ۳۰ هزار حدیث از پدر بزرگوارش امام محمد باقر ۷ نقل کرده اند.^۱

همانطور که گذشت، جالب این که بسیاری از بزرگان و محدثین اهل سنت نیز مستقیماً شاگردان امام صادق ۷ بوده اند یا از آن حضرت روایت کرده اند^۲ و به اعلم بودن امام صادق ۷ اذعان داشته اند حسن بن ابان از مسند ابوحنیفه نقل می کند: از ابوحنیفه شنیدم در جواب کسی که از او پرسید فقیه ترین مردم از کسانی که شما دیده اید کیست؟ گفت جعفر بن محمد وی (ابوحنیفه) درباره امام صادق می گوید: مَا رَأَيْتُ أَفْقَهَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِنَّهُ أَعْلَمُ أَلَمَّةً: من هرگز فقیه تر از جعفر بن محمد ندیده ام او مسلم اعلم امت اسلامی است.^۳

۲-۵-۳- معرفی شاگردان امام صادق ع

ابان بن تغلب بن ریاح: ابان بن تغلب بن ریاح، ابوسعید الکلبی الجریری^۴ یکی از شخصیت های برجسته تاریخ اسلام است. او از قبیله «کنده» و اهل کوفه است. چون جدش ریاح آزاد شده جریر بن عباد بکری است او را جریری و بکری نیز می نامند.^۵

ابان از چهره های سرشناس قاریان قرآن و نیز فردی فقیه و لغوی است. ابان از امام زین العابدین، حضرت باقر و امام صادق: حدیث روایت کرده است و ایشان را درک نموده.^۶

وی نزدیک سی هزار حدیث از امام صادق روایت کرده است و در علم فقه به جایی رسید که امام صادق ۷ به او فرمود: بنشین در مسجد شهر و فتوا بده من دوست دارم که بین شیعیانم مانند تو را بینم.^۸

از مصنفات وی کتاب غریب القرآن است (وی اولین کسی است که در این زمینه کتاب تصنیف نموده است). کتاب فضائل^۹، احوال صفین، قرائت و کتاب من الاصول فی روایه علی مذهب الشیعه از تالیفات وی می باشد.^۱

۱. همان، ص ۹.

۲. دایرة المعارف تشیع یا راه راستان، ص ۳۱۱.

۳. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۲۰.

۴. شیخ محمد بن حسن طوسی، الفهرست، محقق: شیخ جواد قیومی، بی جا، الفقاهه، اول، ۱۳۷۵، ص ۵۷.

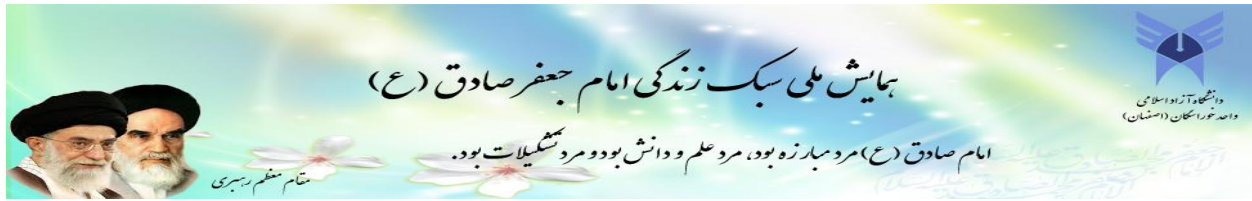
۵. حسین عزیزی، پرویز رستگار، یوسف بیات، راویان مشترک، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۱.

۶. شیخ طوسی، ص ۵۷؛ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ششم، ۱۴۱۸ق، چاپ ۶، قم، ص ۱۰.

۷. شیخ طوسی، ص ۵۷.

۸. احمد بن علی نجاشی، ص ۱۲.

۹. شیخ طوسی، ص ۵۸؛ علی محدث زاده، ص ۲۳.



موسی بن عقبه از رجال صحاح ششگانه - و شعبه بن الحجاج و حماد بن زید و محمد بن خازم و عبدالله بن المبارک از رجال صحاح ششگانه از شاگردان ابان بن تغلب بودند.^۲

ابان در زمان حیات امام صادق 7 از دنیا رفت در سال ۱۴۱ هجری^۳ و زمانیکه ابان از دنیا رفت امام صادق 7 فرمود: به خدا قسم مرگ ابان قلبم را به درد آورد.^۴

ویژگیهای ممتاز خاندان اعین: آل اعین که همگی از فرزندان اعین بن سنس می باشند بزرگترین خاندان علمی شیعه در کوفه بودند بسیاری از افراد این خاندان از اصحاب ائمه و راویان بزرگ و فقها بوده اند و کمتر شخصی از آنان است که ناقل حدیث نباشد راویان اعین بالغ بر شصت تن بوده اند علامه بحر العلوم با ذکر این نکته که مدایح آل اعین فراوان است در وجه تمایز آنان با دیگر خاندانهای کوفه خصایص ذیل را عنوان کرده است: بزرگترین خاندان شیعی، عظیم الشان ترین آنها، عالم ترین خاندان به طوری که در میانشان محدث و فقیه و ادیب و قاری فراوان بوده است، دیرپای ترین آنها، چه نخستین افراد این طایفه در عصر حضرت سجاد 7 و آخرین شان در اوایل غیبت صغری می زیسته اند.

{ لازم به ذکر است که { آل اعین علاوه بر ربودن گوی سبقت در میادین دانش ما در جنبه های سیاسی نیز فعالیت داشتند.^۵

زراره بن اعین: زراره حدوداً در سال ۵۸ یا ۶۰ هجری قمری به دنیا آمده است .

نجاشی می گوید: «زراره از بزرگان اصحاب در زمان خویش و از پیشینیان آنان بود او قاری قرآن، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب بود و از جهت جدل و مناظره نیز قوی بود و کسی قادر به مغلوب کردن وی نبود.»^۶

زراره روایات زیادی از ائمه نقل کرده است. روایات او از علی بن الحسین و امام باقر و امام صادق: می باشد^۷ امام صادق 7 در مورد زراره فرمودند: «خدا رحمت کند زراره بن اعین را که اگر او نبود هر آینه احادیث پدرم مندرس می شد»^۸

زراره بن اعین بیش از ۱۲ هزار حدیث از امام صادق 7 و بیش از ۳۰ هزار حدیث از پدر بزرگوارش امام محمد باقر 7 نقل کرده اند.^۱

۱. نورالله علی دوست خراسانی، پرتوی زندگانی امام صادق 7، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۷۷، ص ۲۲۱؛ حسین عزیزی و پرویز رستگار، ص ۵۳.

۲. اسد حیدر، ج ۳، ص ۵۵؛ علی محدث زاده، ص ۲۷.

۳. احمد بن علی نجاشی، ص ۱۳؛ شیخ طوسی، ص ۵۹.

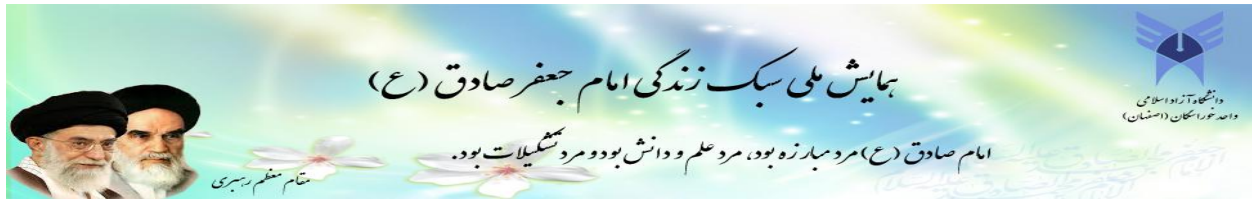
۴. شیخ طوسی، ص ۵۸.

۵. عبدالملک بن اعین، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، قم، مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم 7، شماره مسلسل ۹، بهار ۱۳۸۱، ص ۲۶.

۶. احمد بن علی نجاشی، ص ۱۷۵.

۷. علی اکبر نواب شیرازی، بحر اللئالی، بی جا، بی نا، دوم، ۱۳۴۱، ج ۶، ص ۳۵۹.

۸. جعفر سبحانی، الموجز فی اصول الفقه، قم، مؤسسه امام صادق 7، ششم، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۶۷.



از فضل بن عبدالملک روایت شد که گفت: از حضرت امام جعفر 7 شنیدم که فرمودند: دوست ترین مردم از شما نزد من چهار کسند: برید بن معاویه العجلی، زراره، محمد بن مسلم و احوول و از آن حضرت نیز روایت شد که فرمودند: زراره و ابوبصیر، محمد بن مسلم و برید از جمله کسانی اند که خدای تعالی درباره ایشان فرمود: *أَلَسَابِقُونَ السَّابِقُونَ، أَوْلَئِكَ الْمَقْرَبُونَ*.^۲

و همچنین در جای دیگر امام 7 درباره ایشان فرموده: *هؤلاء القوامون بالقسط هؤلاء القوامون بالصدق*.^۳

زراره دارای کتابی می باشد به نام «الاستطاعة والعجیر»^۴

فرزندان زراره مانند خود او اهل دانش و بینش بوده و در شمار شاگردان اهل بیت: قرار داشتند: ایشان عبارتند از: عبدالله بن زراره که از اصحاب امام صادق 7 و مورد وثوق بوده که از حضرت روایت نقل کرده محمد بن عبدالله بن زراره که یکی دیگر از چهره های درخشان خاندان اعین است هر چند نامش در شمار اصحاب ائمه نیامده است ولی او عالمی فاضل و متقی بوده است.

عبید بن زراره: او نیز از اصحاب امام صادق 7 بود عبید در میان برادرانش از توفیق بیشتر برخوردار بود زیرا توانست فیض بیشتری از امام صادق 7 ببرد^۵ وی متکلم و راوی حدیث بوده.^۶

روحی بن زراره: او نیز از اصحاب امام صادق 7 است و فردی موثق به شمار می رود.

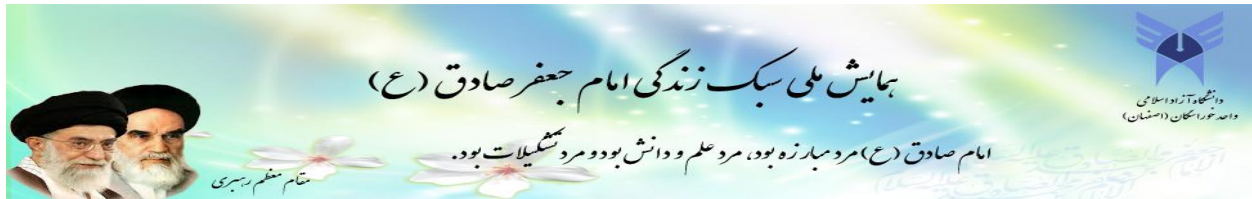
حسن بن زراره: وی نیز از اصحاب امام صادق 7 بوده است از افتخارات حسن بن زراره این است که امام صادق درباره او و برادرش حسین دعا کرده است.

حسین بن زراره، محمد بن زراره و یحیی بن زراره نیز از اصحاب امام صادق 7 بوده است.

برادران زراره مانند حمران بن اعین و فرزندانش بکیر بن اعین و فرزندانش، عبدالملک بن اعین و فرزندانش همگی افرادی بوده اند که از محضر ائمه استفاده برده اند و از یاران و شاگردان ائمه بوده اند.^۷

عبدالملک بن اعین: یکی دیگر از فرزندان اعین بن سُنُّن عبدالملک بود وی نیز از جمله افرادی است که محضر پرفیض امام باقر و امام صادق 3 را درک کرده است.^۸

۱. عبدالرحیم عقیقی بحشایشی، ص ۸.
 ۲. نورالله شوشتری، مجالس المومنین، تهران، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۴، ص ۳۴۴.
 ۳. سید اسماعیل هاشمی، شهادة الشهداء، بی جا، بی نا، ۱۳۶۴، ص ۱۱۳.
 ۴. احمد بن علی نجاشی، ص ۱۷۵؛ شیخ طوسی، ص ۱۳۳.
 ۵. عباسعلی صدیقی نسب، پژوهشی پیرامون زراره و خاندان اعین، مشهد، آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۵، ص ۷۳.
 ۶. سیدحسین مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه، مترجم: سید علی قرائتی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه تخصصی تاریخی اسلام و ایران، ۱۳۸۳، ص ۴۵۰.
 ۷. عباسعلی صدیقی نسب، ص ۸۲ تا ۷۳ به طور خلاصه ذکر شده است.
 ۸. عباسعلی صدیقی نسب، ص ۱۴۱.



برادر عبدالملک زراره، که از فقهای طراز اول شیعه در زمان امام بود می گوید: امام صادق 7 بعد از مرگ عبدالملک فرمود: « خداوندا ما اهل بیت در نظر ابوضریس { عبدالملک } بهترین خلق تو بودیم پس او را در قیامت در زمره آل محمد 6 قرار ده»

مؤمن الطاق: ابوجعفر محمد بن علی بن نعمان، از یاران امام صادق 7 و از فقها اصحاب آن حضرت بود¹ وی منسوب به طاق المحامل است که محل بازرگانی بوده است² و در آن مکان دکانی داشت که مردم در تمیز درهم و دینار به او رجوع می کردند.³

از جمله القاب وی شیطان طاق است که برخی از فقهای اهل سنت او را به این نام نامیده اند گفته شده که ابوحنیفه هنگامی که مناظره ای بین خوارج و مؤمن طاق نزد او صورت گرفت لقب شیطان طاق به او داد اما آنچه رحجان دارد این است که دشمن هایش او را به جهت نبوغ و استعدادهایی که داشت این گونه نامیدند.⁴

وی از نظر علوم و معارف اسلامی در رتبه بالایی بود و هنگام استدلال کردن بسیار قوی بود در جهات متعددی از علوم داری نبوغ و برجستگی خاصی بود.

در معارضه و مناظره بسیار مهارت داشت و هنگام جواب دادن به سرعت جواب می گفت⁵ هنگامی که استدلال می کرد دلایل بسیار روشن و متقن می آورد و این چیزی است که تاریخ در این باره اتفاق نظر دارند.⁶

در بحث ولایت حضرت علی 7 روزی ابوحنیفه به او گفت: اگر علی بن ابیطالب حق بود چرا حق خویش را بعد از رسول الله 6 مطالبه نکرد؟ مومن الطاق گفت: ترسید که جن او را بکشد چنان که سعد بن عباده را با تیر مغیره بن شعبه کشت.⁷

وی دارای تالیفاتی می باشد که عبارتند از: احتجاج فی امامه امیرالمؤمنین 7⁸ کتاب المعرفه، کتاب الامامه، الرد علی المعتزله، کتاب فی امر طلحه وزیر⁹، اثبات الوصیه¹⁰، کتاب افعال لاتفعل و کتاب المناظره ابی حنیفه.¹¹

۱. سیدعلی اکبر قریشی، ص ۳۵۲.

۲. عبدالحلیم جندی، امام جعفر صادق (ع)، ص ۲۴۰.

۳. نورالله شوشتری، ص ۳۵۲.

۴. احمد بن علی نجاشی، ص ۳۲۵.

۵. سیداسماعیل هاشمی، ص ۱۱۶.

۶. نورالله علیدوست خراسانی، ص ۲۳۴.

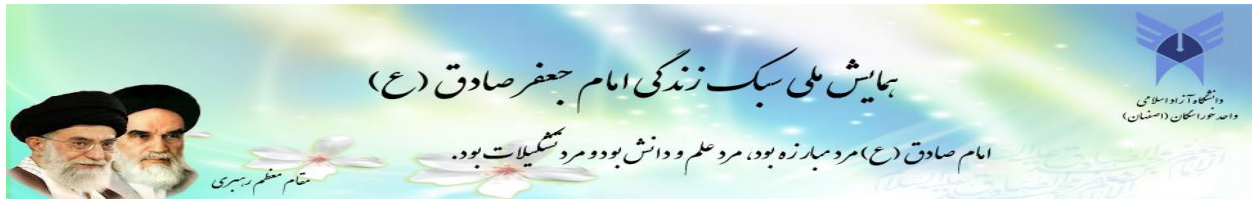
۷. سیدعلی اکبر قریشی، ص ۵۲۸.

۸. علی اکبر نواب شیرازی، ج ۶، ص ۳۸۴.

۹. دایره المعارف تشیع یا راه راستان، ص ۳۱۳.

۱۰. نورالله علیدوست خراسانی، ص ۲۳۵.

۱۱. احمدبن علی نجاشی، ص ۳۲۵.



بریدبن معاویه عجللی: برید از شخصیت های برجسته و فقیه های مبرز عصر خویش است و سهم بزرگی در نشر احکام و معارف دارد و از شیفتگان خاندان پیامبر 6 است اهل بیت: و دانشمندان شیعه از وی تجلیل نموده و به نیکی یاد کرده اند رجالیون او را ستوده و به عنوان فقیه نام برده اند، علامه حلی می گوید: وی نزد دانشمندان اهل سنت هم دارای منزلت است^۱ برید به اتفاق رجالیان شیعه از اصحاب امام باقر و امام صادق 3 بود وی راستگو و موثق بود. روایات او در بحث اربعه در «الموتلف و المختلف» و قطنی و خصائص نسائی آمده است.^۲

دشمنان به خاطر این که در نظر مردم از موقعیت و مقام وی بکاهدند و احادیث او را بی پایه جلوه دهند احادیثی در مذمت و نکوهش او جعل کردند. اما با تمام این توطئه ها و جعل احادیث برید بن معاویه از ادامه راه خود باز نایستاد و درباره کار خود هیچ گونه تشویش و ناراحتی به خود راه نداد.^۳

او جزء شش نفری است که به فقیه ترین مردم (در عصر خود) معروف شدند و آنها عبارتند از:

۱- زراره بن اعین ۲- معروف بن خربوذمکی ۳- ابوبصیر اسدی ۴- فضل بن سیار ۵- محمد بن مسلم

۶- بریدبن معاویه عجللی.^۴

در مورد احادیثی که در مذمت ایشان آمده است باید گفت: اولاً این روایات شاذ و نادرست است. ثانیاً: سند درستی ندارد ثالثاً: احتمال این که صدور آنها به دلیل حفظ جان و شناخته نشدن شان به دوستی اهل بیت در زمان تقیه بوده است بسیار است.^۵ این روایات در مورد زراره نیز بوده است لذا روایتی است که در آن امام صادق 7 به عبدالله بن زراره فرمود: سلام مرا به پدرت برسان و به او بگو: من برای حفظ جان و آثار و موقعیت دینی تو گاهی از تو عیب جوئی می کنم کار من مانند سوراخ نمودن سفینه برای سلامت آن از آزار دشمنان و غاصبان است.^۶

وی در شمار کسانی است که امام صادق 7 به آنها مژده بهشت داد^۷ و فرمود: بشارت دهید محبتین (متواضعان و خاشعان) را به بهشت آنگاه فرمود: اینان بریدبن معاویه، محمد بن مسلم، ابوبصیر لیث مرادی و زراره بن اعین هستند.^۸ برید بن معاویه در زمان حیات ابی عبدالله 7 از دنیا رفت.^۱

۱. حسین عزیزی و پرویز رستگار، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. نورالله علیدوست خراسانی، صص ۲۲۲-۲۲۳.

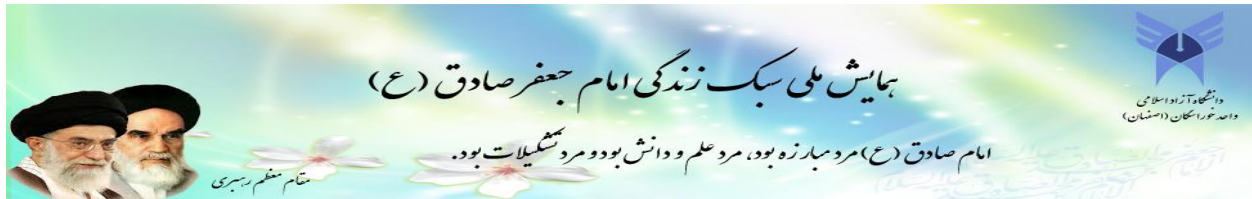
۴. محمدباقر مجلسی، ج ۴۶، ص ۳۴۵.

۵. حسین عزیزی و پرویز رستگار، صص ۱۳۶-۱۳۷.

۶. محمدبن عمر کشی، رجال کشی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۴ق، صص ۲۳۶-۲۳۷.

۷. نورالله علیدوست خراسانی، ص ۲۲۳.

۸. اسد حیدر، ج ۳، ص ۶۱.



دفتر حدیثی از او باقی است که علی بن عقبه بن خالداسدی آن را روایت کرده است و نزدیک به چهارصد نقل از این مولف در کتابهای حدیثی شیعه آمده است که بیشتر آن ها از راوی دوم است.^۱

هشام بن حکم کندی: یکی دیگر از چهره های معروف و شاگردان مبرز امام صادق 7 هشام بن حکم کندی است او در کوفه و واسط بزرگ شد و به عنوان تاجر به بغداد می رفت. پس از مدتی در بغداد سکونت گزید و برای تجارت به شهرهای مختلف سفر می کرد و در همان زمان مردم را ارشاد می کرد و از حریم اهل بیت دفاع می نمود و با منکران خدا به مباحثه می پرداخت به گونه ای در این کار استاد بود که مخاطبان قادر به جواب گفتن نبودند. و از این راه عده زیادی را به توحید و یکتا پرستی کشانید هنگامی که هشام در کوفه زندگی می کرد، کوفه پایگاهی شده بود برای اختلاف مذاهب علم کلام که این امر در آنجا به شدت رواج یافت و از اطراف کوفه علما و متفکران و دانشمندان می آمدند و در آن جا جلسات علمی تشکیل می دادند و در حقیقت کوفه محل بحث و مناظره و درگیری بین اصحاب مختلف بود.^۲

هشام فردی حاذق و در صنعت کلام حاضر جواب بود.^۳ عده ای برای این که در مباحثات خود بر حضم پیروز شوند از علم کلام استفاده می کردند و برای این که صحت عقیده و نظر خود را ثابت کنند و مسلک خویش را به طرف ثابت کنند از سفسطه استفاده می کردند. هشام بن حکم هنگام بحث و مناظره با نیرومندی و قدرت خاصی نظریات متکلمان دیگر فرق اسلام را که تحت تاثیر فلسفه یونانی قرار گرفته بودند رد می کرد و در تمام مراحل با موفقیت از عهده بحث برمی آمد و به خاطر همین قدرت مناظره او بود که امام صادق به او فرمود: « یا هشام لاتکادُ تَفَعُ تَلوی رَجُلُکَ إِذَا هَمَّتْ بِالْأَرْضِ طَرَتْ مِثْلَکَ فیلکلم الناس فاتق الزلّه و الشفاعة من ورائها ان شالله »^۴ « ای هشام، تو با هر دو پایه به زمین نمی خوری به طوری که قادر به پاسخ گویی نباشی تا بخواهی به زمین بیفتی پروازی می کنی (به محض این که متوجه شدی مغلوب می شوی، خود را نجات می دهی) افرادی مانند تو باید با مردم سخن گویند خود را از لغزش نگه دار شفاعت ما به دنبالش می آید انشالله »

به هر حال تشکیل این گونه مجالس سبب شد که از طرف حکومت وقت جان وی به خطر بیفتد چون از مناظرات قوی و مستدل او دربار امامت و طرفداری از علویان آگاه شده بودند تا آن جا که هارون الرشید از فعالیت وسیع و گسترده او برتری وی بر

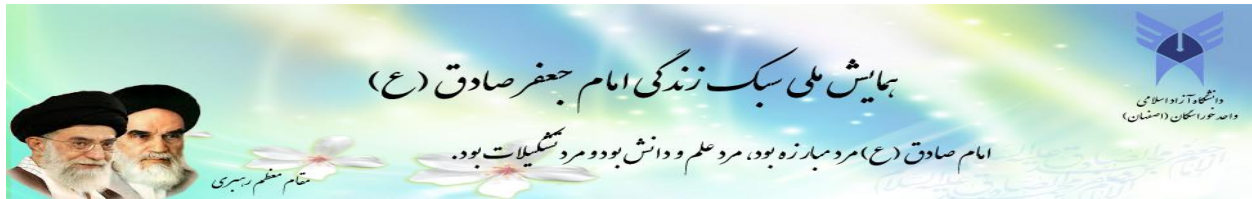
۱. احمد بن علی نجاشی، ص ۱۱۲.

۲. سیدحسین مدرسی طباطبایی، ص ۲۶۶.

۳. نورالله علیدوست خراسانی، صص ۲۳۵-۲۳۶.

۴. شیخ طوسی، ص ۲۵۹.

۵. محمدبن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۱۳۲.



بیشتر اندشمندان و رجال زمان خود مطلع شد و تصمیم به کشتن او گرفت اما یحیی بن خالد برمکی از او دفاع کرد و محیط را برای او مساعد ساخت ، به گونه ای که نظر هارون را نسبت به هشام تغییر داد و هارون از قتل وی صرف نظر کرد.^۱

هشام بن حکم علم فقه ، حدیث و تفسیر را از محضر امام صادق 7 کسب کرد و از اول زندگی در خدمت ایشان بود و احادیث زیادی درباره احکام مختلف از آن بزرگوار نقل کرده است. امام صادق 7 او را احترام می کرد و مقدم وی را گرامی می داشت. وی پس از رحلت امام صادق 7 از محضر امام هفتم موسی بن جعفر 7 علم زیادی آموخت و چون مورد توجه و عنایت این بزرگان بود به او اجازه می دادند که با مخالفان اسلام مناظره کند با این که امام صادق علیه السلام به تمام شاگردان خود این اجازه رانداده بود.^۲

هشام امام صادق و فرزندش امام موسی کاظم 3 را ملاقات کرد و از آن رو احادیث زیادی را روایت کرد و آنها ایشان را مدح کرده اند.^۳

هشام در رشته های مختلف و متفاوت علوم تالیفاتی دارد که بعضی از آنها را ذکر می کنیم: ۱- کتاب امامت ۲- دلائل حدوث اشیا ۳- ردبر زنادقه ۴- ردبر ثنویت (دو گانه پرستی) ۵- کتاب توحید ۶- ردبر هشام جوالیقی ۷- ردبر طبعیون ۸- پیرو جوان ۹- تدبیر ۱۰- میزان ۱۱- میدان ۱۲- ردبر کسی که به امامت مفضول اعتقاد دارد ۱۳- اختلاف مردم در امامت ۱۴- وصیت و ردبر منکران آن ۱۵- جبر و قدر ۱۶- حکمین ۱۷- ردبر معتزله در مورد طلحه و زبیر ۱۸- قدر ۱۹- الفاظ ۲۰- معرفت (شناخت) ۲۱- استطاعت ۲۲- هشت باب ۲۳- چگونه فتح باب اخبار می شود ۲۴- ردبر ارسطاطالیس (در توحید) ۲۵- ردبر معتزله ۲۶- مجلسی درباره امامت ۲۷- مجلسی درباره توحید.^۴

جابر بن یزید جعفری کوفی: جابر از امام باقر و امام صادق 3 احادیثی نقل کرده است. او در سال ۱۲۸ یا ۱۳۲ هجری در دوران امام صادق 7 از دنیا رفت جابر تنها از امام صادق 7 هفتاد هزار حدیث روایت کرده است و اگر کسی احادیثی را که از او نقل شده بررسی کند در می یابد که وی حامل اسرار علوم اهل بیت بوده و کرامتهایی از آنها برای مردم بازگو می کرد که عقول آنان تاب شنیدن آن کرامات را نداشت.^۵

یعقوبی در این باره که جابر از اسرار علوم اهل بیت با خبر بود می نویسد : حمید بن قحطبه گفت : پدرم قحطبه به من خبر داد که در دوران حکومت بنی امیه وارد مسجد کوفه شدم و جامه ای از پوست خز که درشت بود پوشیده بودم پیرمرد سالخورده ای را دیدم که مردم در اطرافش نشسته بودند و او در باره بنی امیه صحبت می کرد و می گفت در آینده چه کارهایی انجام خواهد شد .

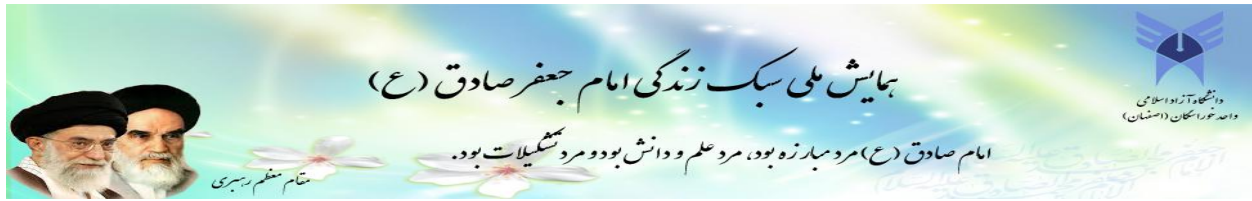
۱. نورالله علیدوست خراسانی، ص ۲۳۷.

۲. نورالله علیدوست خراسانی، ص ۲۴۷.

۳. شیخ طوسی، ص ۲۵۹.

۴. شیخ طوسی، ص ۲۵۸؛ احمد بن علی نجاشی، ص ۴۳۳.

۵. نورالله علیدوست خراسانی، صص ۲۲۹-۲۲۸.



گفت: در آن زمان مردی خروج خواهد کرد که معروف به قحطبه است و فکر می‌کنم او همین اعرابی است به سوی من اشاره کردم قحطبه گفت: من به وحشت افتادم و از جای خود بلند شده به گوشه ای رفتم هنگامی که صحبت او تمام شد گفت: اگر بخواهم بگویم آن شخص تو هستی می‌گویم سپس سوال کردم نام این شخص چیست؟ گفت: جابر بن یزید جعفی^۱

امام صادق^۷ برای حفظ جان جابر به او فرمود که اظهار جنون کند و او نیز این کار را کرد و در اطراف مسجد کوفه می‌چرخید بچه‌ها اطراف او جمع می‌شدند و او می‌گفت: منصور بن جمهور را امیری غیر مأمور می‌یابم.

پس از چند روز از طرف هشام بن عبدالملک والی کوفه دستور رسید که: شنیده‌ام شخصی به نام جابر در کوفه است او را پیدا کن و سرش را از بدن جدا ساز و برای من بفرست حاکم کوفه از اطرافیان خود پرسید: آیا کسی را به این نام می‌شناسید؟ گفتند او مردی است عالم و فاضل و محدث اما از وقتی که از سفر حج برگشته مبتلا به مرض جنون شده است. اکنون هم در میدان مسجد سوار برنی می‌شود و با کودکان بازی می‌کند. وقتی والی جابر را به این حال دید گفت خدا را سپاسگذارم که دست مرا به خون جابر آلوده نساخت. و معلوم شد که امام برای حفظ جان جابر به او این دستور را داد، او پس از اطمینان از این که کشته نخواهد شد به حالت اول برگشت و چیزی نگذشت که منصور بن جمهور به کوفه آمد و آنچه جابر خبر داده بود واقع شد.^۲

عبدالله بن ابی یعفر: عبدالله بن ابی یعفر عبدی کوفی بود و از یاران امام باقر و امام صادق^۳ بود وی بسیار مورد توجه امام صادق^۷ قرار داشت زیرا در امتثال او امر آن بزرگوار و اطاعت از دستوره‌های وی ثابت قدم بود تا آن جا که به امام ششم عرض کرد: به خدا سوگند اگر اناری را نصف کنی و بگوی تصف این انار حلال و نصف دیگر آن حرام است شهادت می‌دهم که آنچه گفתי حلال است، حلال و آنچه گفתי حرام است حرام می‌باشد. حضرت دو بار فرمود: خدا تو را رحمت کند.^۳ عبدالله در زمان امام صادق^۷ از دنیا رفت او قاری قرآن بود و در مسجد کوفه قرائت قرآن می‌کرد.^۴

نجاشی می‌نویسد، عبدا... بن ابی یعفر دارای دو کتاب بوده است که عده ای از اصحاب امام صادق^۷ از او روایت کرده‌اند.^۵

ابوحمره ثمالی: نام او ثابت بن دنیار است^۱ و کینه اش ابوحمره ثمالی است او از موالی کوفی، عالم و راوی سرشناس حدیث جامعه شیعه روزگار خود بود از امام سجاد و امام باقر و صادق^۳ روایت کرده است.^۲ ابوحمره ثقه و مورد اعتماد است اهل سنت هم روایات از او نقل می‌کنند و به ثقه بودن او معرف هستند.^۳

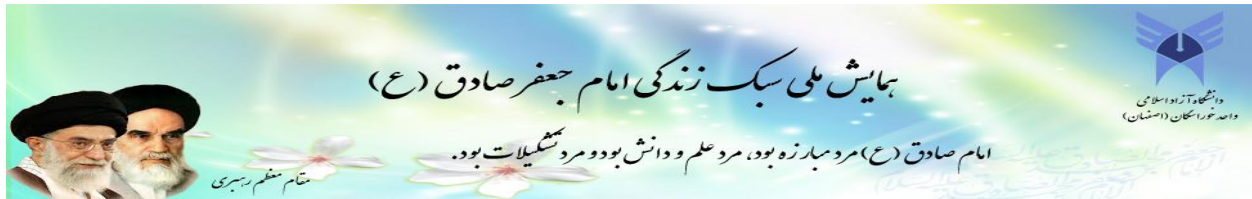
۱. احمد بن یعقوب، ج ۳، ص ۸۱.

۲. نورالله علی دوست خراسانی، صص ۲۲۹-۲۲۸.

۳. محمدحسین المظفر، الامام الصادق، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۳۱.

۴. احمد بن علی نجاشی، ص ۲۳.

۵. همان جا.



از وی کتابهایی باقی است که عبارتند از: ۱- کتاب الزهد^۴ ۲- کتاب النوادر توسط حسن بن محبوب از مؤلف روایت شده ۳- رساله الحقوق: ابو حمزه این رساله را از امام سجاد 7 روایت می کند. ۴- دعای ابی حمزه متن دعا طولانی است منسوب به امام سجاد 7^۵ که در سحرهای ماه رمضان خوانده می شود.

مفضل بن عمر: عبدالله مفضل بن عمر کوفی، صراف از موالی «جعفی» و رهبر مکتب مفوضه و از غلات شیعه است^۶ نجاشی درباره او می گوید: عده ای می گویند: که وی فاسد المذهب است و مضطرب الروایه.^۷

بر خلاف سخن نجاشی در امالی شیخ صدوق آمده است که: او بیشتر اوقات از مکتب امام صادق 7 کسب فیض می کرد. وی مورد توجه امام 7 بود و درباره مقام و شخصیت او همین بس که حضرت فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست، مفضل بن عمر بنده خوب خداست. پس از فوت او امام هشتم 7 فرمود: مفضل مایه انس و راحتی من بود.^۸ وی در دوران امامت امام کاظم پیش از سال ۱۷۹ درگذشت.^۹

مفضل دارای تألیفاتی می باشند که عبارتند از:

۱- وصیته المفضل^{۱۰}

۲- کتاب فکر فی بدء الخلق و الحث علی الاعتبار^{۱۱}: این کتاب همان متنی است که با نام توحید مفضل شهرت دارد به سبک مجموعه ای از درسهای امام صادق 7 به مفضل نوشته شده که امام ضمن آن برای وجود خدا استدلال آورده.^{۱۲}

۲- الاهلیجه: متن نامه منسوب به امام صادق 7 در پاسخ پرسشی از مفضل درباره وجود توحید خداوند این متن به صورت گفته گویی میان امام صادق 7 و یک طبیعت هندی نوشته شده.^۱

۱. شیخ طوسی، ص ۹۰.

۲. سیدحسین مدرسی طباطبایی، ص ۴۴۳.

۳. محمدحسین المظفر، ج ۲، ص ۱۳۵.

۴. شیخ طوسی، ص ۹۰.

۵. سیدحسین مدرسی طباطبایی، صص ۴۴۶-۴۴۵.

۶. سیدحسین مدرسی طباطبایی، ص ۳۹۷.

۷. احمدبن علی نجاشی، ص ۴۱۶.

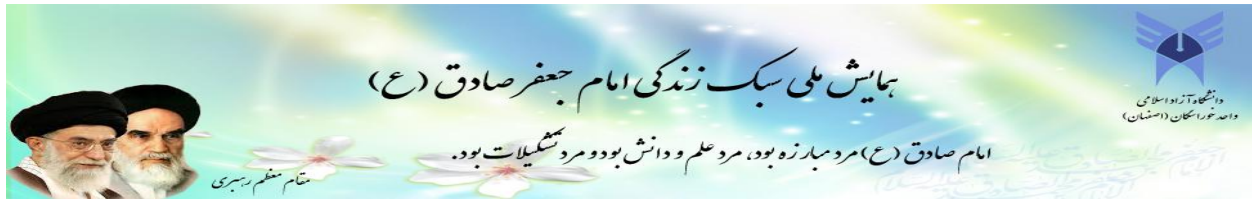
۸. محمدبن علی ابن بابویه قمی، امالی شیخ صدوق، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶، صص ۱۵-۱۶.

۹. سیدحسین مدرسی طباطبایی، ص ۳۹۷.

۱۰. شیخ طوسی، ص ۲۵۱.

۱۱. احمدبن علی نجاشی، ص ۴۱۶.

۱۲. سیدحسین مدرسی طباطبایی، ص ۳۹۸.



۳- کتاب علل الشرایع^۲

جابر بن حیان: جابر بن حیان صوفی طرسوی یکی از شاگردان بنام امام جعفر صادق 7 است تاریخ ولادت او بین سالهای ۱۰۳ تا ۱۰۵ هجری - قمری است و در برخی منابع نیز سال ۱۲۰ هجری ذکر شده است.^۳

جابر در سفری به کوفه آمد و با امام جعفر صادق 7 ملاقات نمود و در ردیف شاگردان و دوستان آن حضرت در آمد.^۴ البته لازم به ذکر است که در مورد این که وی شاگرد امام صادق 7 بوده یا نه اختلافاتی وجود دارد استاد عبدالله نعمه می نویسد: من پنجاه رساله خطی قدیمی از جابر دیدم که در آنها عباراتی از قبیل « قال ابی جعفر 7 » و « القی علی جعفر 7 » و « حدثنی مولای جعفر 7 » نوشته شده است.^۵ این خود گواه بر آن است که او شاگرد امام جعفر صادق بوده است.

وقتی در مورد جابر بن حیان از شهید مطهری سؤال شد که آیا جابر بن حیان علم خود را از امام صادق 7 آموخته است؟ او در پاسخ چنین گفت: « قسمتی از این مطلب از مجهولات تاریخ است و هنوز تاریخ نتوانسته آن را صد در صد روشن کند آن مقدار که هست همین است که این درسها را از امام صادق 7 آموخت. البته هستند افرادی که به او اعتماد ندارند و می گویند جابر بن حیان دوره اش اندک متاخر از امام صادق 7 است آنها هم که می گویند متأخر است می گویند او شاگرد بعضی شاگردان امام صادق 7 بوده است ولی به هر حال آنهایی که نوشته اند به این مسئله اعتماد دارند و به همین عنوان نوشته اند که او این درسها را از امام صادق 7 فرا گرفت و عمده این است که این علوم قبل از او سابقه نداشته است و این نشان می دهد که حضرت شاگردان مختلفی داشته است^۶»

جابر از شخصیت های علمی است که به فلسفه، منطق، طب، ریاضیات، کیمیا، مکانیک، هیئت، فلک و علوم دیگر اشتغال ورزید ولی شهرت او در شیمی است^۷ او ابتکارات جدیدی در شیمی به کار برد و دانش های تازه ای بر آن افزود. جرجی زیدان می نویسد: تیزاب سلطانی که تیزاب طلا خور نیز به آن گفته می شود و از ترکیب اسیداستیک و اسیدکلریدریک حاصل می شود از اختراعات جابر است.^۸

۱. همان جا.

۲. احمد بن علی نجاشی، ص ۲۱۶.

۳. عبدالله نعمه، فلاسفه شیعه، مترجم: سید جعفر غضنبان، تهران، بی نا، اول، ۱۳۴۷، ص ۲۰۷.

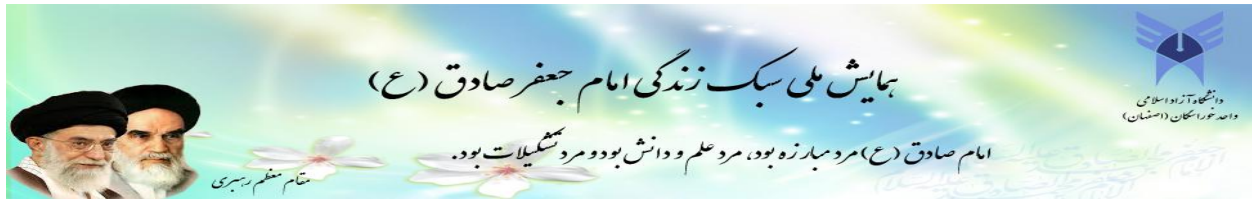
۴. عبدالعزیز سیدالاهل، زندگانی جعفر بن محمد الامام صادق علیه السلام، مترجم: حسین وجدانی، بی جا، بی نا، اول، بی تا، ص ۹۰.

۵. عبدالله نعمه، ص ۲۳۳.

۶. مرتضی مطهری، ص ۱۶۵.

۷. عبدالله نعمه، ص ۲۰۵.

۸. عمادالدین حسین اصفهانی، مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، پنجم، بی جا، مکتب قرآن، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۹.



آنچه تا کنون بیان شد شرح حال مختصری از زندگی چندتن از شاگردان امام صادق 7 می باشد ولی همانطور که آمد شاگردان امام صادق 7 را تا چهار هزار نفر شمرده اند اکنون به نام بعضی دیگر از این شاگردان اشاره می کنیم:

یحیی بن قاسم ، یوسف بن یعقوب ، عبدالله بن بکیر ، حمبل بن دراج^۱ ، که نام همگی در کتاب رجال نجاشی آمده است. عطاء بن ابی ریاح^۲ ، سلمان بن اعمش^۳ ، عبدالله بن ابی رافع ، عبدالرحمن بن قاسم^۴ ، عبدالله بن عمر ، روح بن قاسم سلیمان بن بلال ، هاشم بن اسماعیل ، وهب بن مختار ، ابراهیم بن طحان ، عبدالعزیز بن مختار^۵ ، یحیی بن سعید انصاری^۶ ، سفیان ثوری^۷

همچنین شش تن از یاران امام صادق 7 هستند که به اصحاب سنه معروفند و همه حدیث شناسان و رجال شناسان شیعه آنها را توثیق کرده و به جلالت قدرشان اذعان دارند که عبارتند از: ۱- جمیل بن دراج ۲- عبدالله بن مسکان ۳- عبدالله بن بکیر ۴- حماد بن عیسی ۵- حماد بن عثمان ۶- ابان بن عثمان که همان ابان بن تغلب است.^۸

محقق در العتبر می گوید: شاگردان سرشناس امام صادق 7 از احادیث و پاسخهای آن حضرت به مسائل تعداد چهار صد کتاب به رشته تحریر در آوردند که به دوران پس از وی به اصول اربعه معروف شده و و شیخ صدوق و طوسی در کتب چهارگانه خود (کافی - من لایحضره القیه ، تهذیب و استبصار) آنها را مرجع خود قرار دادند همچنین ایشان علاوه بر چهار صد کتاب اصول، صدها کتاب در حدیث و فقه و دیگر موضوعهای اسلامی از سخنان امام نگارش کرده اند.^۹

۲-۶- شکل گیری فقه جعفری و سبک جدید زندگی دینی شیعیان

شکی نیست که فقه قانون نظام عالم بشریت و ناموس اجتماع است این علم در میان شیعیان به فقه جعفری معروف است یعنی به امام صادق 7 نسبت داده شده است زیرا قسمت عمده احکام فقه اسلامی بر طبق مذهب شیعه از آن حضرت روایت شده است^{۱۰} و در واقع آن حضرت با بنیان نهادن فقه جعفری، بنیان گذار سبک جدیدی از زندگی دینی برای شیعیان می باشند.

۱. احمد بن علی نجاشی، ص ۲۲۲-۱۲۶.

۲. عبدالعزیز سیدالاهل، ص ۴۹.

۳. علی اکبر نواب شیرازی، ص ۳۵۸.

۴. عبدالعزیز سیدالاهل، ص ۴۸.

۵. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب علیه السلام، محقق: یوسف البقایی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ق، ج ۳.

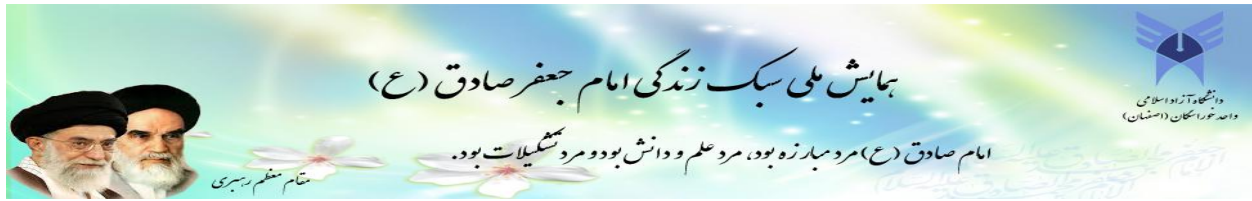
۶. علی بن عیسی اربلی، ج ۲، ص ۳۲۸.

۷. عباس قمی، نگاهی به زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، قم، نشر ناصر، دهم، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳.

۸. دایره المعارف شیعه: زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۳۱۴.

۹. هاشم معروف، ج ۲، ص ۲۶۰.

۱۰. سید حسن موسوی، ص ۷۹.



قسمت عمده احکام فقه اسلامی بر طبق مذهب شیعه امامیه از آن حضرت است و آن اندازه که از آن حضرت روایت نقل شده از هیچ یک ائمه نقل نگردیده به همین جهت فقه شیعه امامیه، به فقه جعفری مشهور است.^۱

عمادالدین حسین اصفهان در این باره می گوید: در سطح فرهنگ و معارف بشری قانونی برای حفظ اجتماع از فقه جعفری استوارتر و جامع تر نیست.^۲

فضل الله کمپانی نیز در این مورد می گوید: تعلیمات فقهی امام صادق 7 که به فقه جعفری مشهور است همان فقه صحیح و اصیل اسلامی است که از مبدأ وحی بوسیله پیغمبر اکرم 6 جهت هدایت بشر نازل گردیده و امام 7 چیزی از خود به آن اضافه ننموده است زیرا هیچ امامی حق اضافه و کسر و تغییر و تبدیل حکمی در مسائل شرعی را ندارد و مقنن قوانین آسمان فقط ذات ذوالجلال پروردگار است و پیغمبر اکرم 6 نیز وسیله ابلاغ قوانین الهی بوده و جانشینان او هم مبین و مفسر احکام مذکور می باشند. پس در این مورد نبایستی این امر برای بعضی ها مشتبه شود که حضرت صادق 7 مانند رؤسای سایر فرقه ها، مکتبی بخصوص ایجاد کرده زیرا فرقه های مختلف اسلامی به ذوق و سلیقه خود در اصول و فروع دین عقاید و آراء مخصوصی می آورند اما امام صادق 7 با استفاده از فرصتی که بدست آورده بود بدعت ها خرافات وارده به دین را که به تدریج تا آن زمان حاصل شده بود دور ساخت و حقایق احکام را تشریح و آیات قرآن را چنانچه منظور و مقصود صاحب شریعت بود برای مسلمانان تفسیر نمود و فقه اسلامی را که مدت یک قرن دستخوش هوا و هوس زعمای سقیفه و حکام اموی شده بود، احیاء و تدوین نمود و پر واضح است که پی بردن به حقایق این فقه که منشاء آسمانی دارد از عهده بشر خارج است و هر قدر قوای عقلی و ذهنی انسان توسعه یابد باز از درک کلیه حقایق آن عاجز خواهد بود.^۳

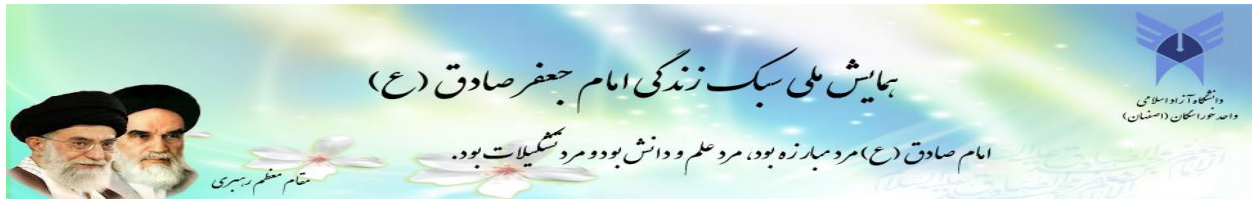
منابع اصلی فقه شیعه کتاب قرآن سنت (قول و فعل اهل بیت) عقل و اجماع می باشد که حجیت این چهارگانه نزد علمای شیعه به اثبات رسیده است پس از قرآن فقه جعفری دارای منبع سرشار و پر برکت از احادیث و روایات پیامبر بزرگ اسلام و پیشوایان معصوم می باشد که می تواند پاسخگو و بر آورنده نیازهای جوامع مختلف باشد.^۴

امام تمام توجه شیعیان را به اهل بیت جلب کرده و آنان را از تمسک به احادیث دیگران باز می داشت این مهترین عامل شکل گیری فقه شیعه به صورتی مستقل و اصیل بود و اهمیت آن از پیش تا حدودی در زندگی امام باقر 7 تبیین شده بود.^۵

۱-۶-۲- امتیازات فقه جعفری نسبت به سایر مکاتب فقهی

فقه جعفری نسبت به سایر مکاتب فقهی دارای امتیازات زیر می باشد:

۱. راه راستان دایره المعارف تشیع، ص ۳۰۰.
۲. عمادالدین حسین اصفهانی، مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۵۵.
۳. فضل الله کمپانی، ص ۱۴۳.
۴. عقیقی بخشایشی، ص ۶۶.
۵. رسول جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ص ۳۴۵.



- ۱- حدیث و روایت: همانطور که آمد احادیث امام صادق 7 و سایر اهل بیت احادیث ناب بود که از منبع وحی سر چشمه می گرفت و همچنین امام صادق 7 معیار کامل شناخت حدیث صحیح از غیر صحیح را بسیار روشن فرمود و ضمن ارزیابی احادیث فرمود: آنچه که مطابق کتاب خداست پذیرید و عمل کنید و آنچه را که مخالف آن است رد کنید.^۱
- ۲- امتیاز دیگری که مکتب فقهی امام صادق نسبت به دیگر مکاتب و مدارس فقهی داشت اعطا بهره خاص به عقل و اندیشه است به حدی که در اغلب موارد عقل را ملاک و معیار قرار می دهد و آن را به صورت یک معیار اصولی و شاخص در برخورد با احادیث مختلف به کار می برد و در واقع بر عقل و اندیشه انسان که بار خلافت الهی را روی زمین بردوش دارد میدان جولان و فعالیت در نظر گاههای مختلف فقهی می دهد.^۲
- ۳- مفتوح بودن باب اجتماع در فقه جعفری: در اینجا باید گفت که اجتهاد از دستاوردهای فقه جعفری می باشد برای استنباط احکام در زمان غیبت امام معصوم 7.

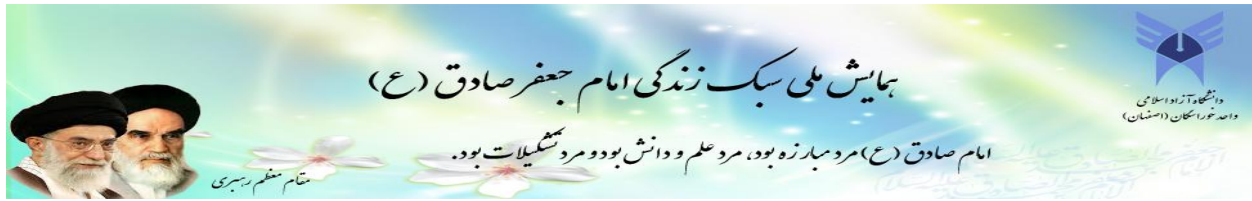
نتیجه

در زمان امام صادق 7 به علت آشفتگی اوضاع سیاسی انقراض سلسله اموی و روی کار آمدن عباسیان خلفا تسلط کمی بر امام و اوضاع فرهنگی جامعه داشتند و امام از این فرصت طلایی برای نشر افکار و عقاید شیعه و ساماندهی یک سبک علمی - فرهنگی و احیاء سبک زندگی دینی شیعیان از مشکلات بزرگ فرهنگی جامعه آن زمان استفاده کردند چنین فرصت طلایی با این وسعت از میان ائمه تنها برای امام صادق 7 پیش آمد آن امام نیز در این زمینه همت گماشتند و حتی با زیرکی و درایت خود پاسخ بسیاری از شبهات مطرح در جامعه آن روز را به مردم عرضه نمودند و اعلم بودنشان در زمینه همه علوم دینی به اثبات رسید.

امام صادق 7 در واقع از بین دو جبهه سیاسی و فرهنگی، جبهه فرهنگی را انتخاب نمودند که علتش تاثیر بنیادین این راه بر جامعه اسلامی و آماده سازی آن برای آینده بود ایشان در این راه از هیچ تلاشی فرو گذار نکردند در جریان نهضت ترجمه و رویارویی با افکار و اندیشه های جدید سبک جدیدی در علم و زندگی به مردم آموختند در مناظرات خود نیز با استدلالهای محکم و بنیادین از مبانی دینی مسلمانان دفاع نموده و با مبانی نادرست مکاتب اهل سنت مبارزه کردند تا سبک زندگی دینی و فرهنگی شیعیان متأثر از آن نگردد و در برابر غالیان که در واقع جریان های نادرست اعتقادی شیعه بودند ایستادند تا سبک صحیح زندگی اعتقادی و فرهنگی شیعیان تحت تاثیر آنها قرار نگیرد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۴۷۲.

۲. عقیقی بخشایشی، ص ۱۱.

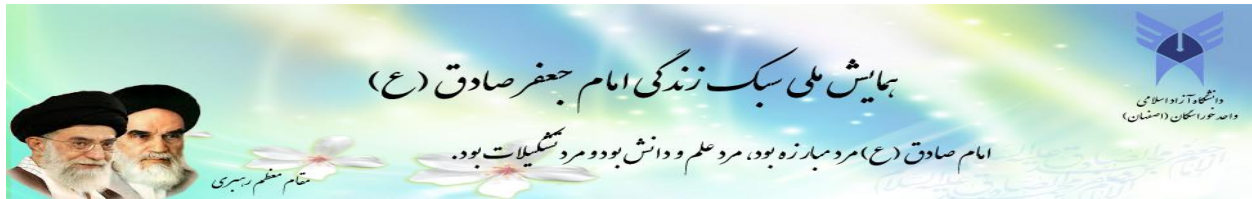


و از آنجا که مردم نیز تشنه دریافت معارف اسلامی بودند گرد امام جمع شدند و کار امام بسیار بالا گرفت تا جایی که بیش از چهار هزار شاگرد در رشته های علمی متفاوت در دانشگاه امام صادق 7 به کسب علم و دانش پرداختند و کار تاجیبی پیش رفت که تعدادی از ای شاگردان متخصص علوم مختلف شدند و امام مراجعان را به آنها ارجاع می دادند اینان در واقع افسران امام صادق 7 در جنگ نرم فرهنگی بودند.

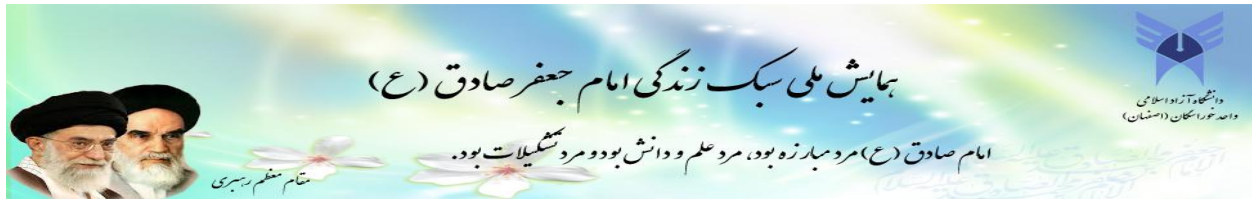
طیف وسیع فعالیت های فرهنگی امام صادق 7 تا جایی بود که حتی مکاتب اهل سنت را نیز در بر گرفت و برخی از صاحبان این مکاتب شاگردی امام را کردند حاصل کار ارزنده امام صادق 7 سبک جدیدی از زندگی دینی و تشکیل فقه جعفری که همان مکتب ناب محمدی 6 و ائمه معصومین: می باشد، بود و با ظهور امام زمان 4 در آخر زمان بار دیگر احیاء خواهد شد انشا...!

فهرست منابع و مآخذ

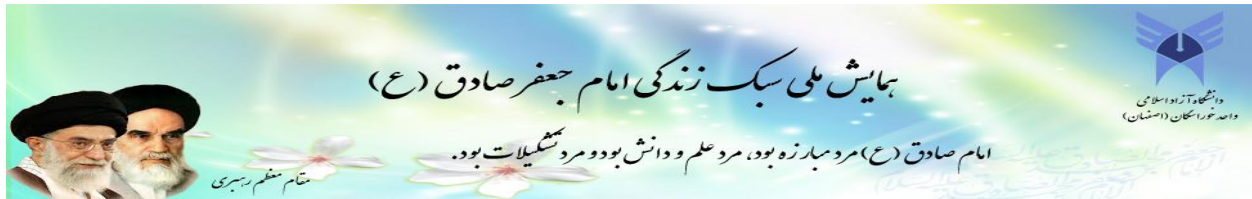
- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن نعمان، محمد بن محمد، امالی شیخ مفید، محقق: علی اکبر نهایندی، قم، بی نا، اول، ۱۴۰۳ ق.
- ۳- ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، بی جا، فرهنگ اسلامی، ششم، ۱۳۶۶.
- ۴- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمة، ج ۲، مترجم: علی بن عیسی زواری، مصحح: سید ابراهیم میانجی، تبریز، حاج محمد باقر کتابچی حقیقت، ۱۳۸۱.
- ۵- امین، سید محسن، سیره معصومان، ج ۵، مترجم: علی حجتی کرمانی، تهران، سروش، دوم، ۱۳۷۶.
- ۶- بلاذری، علی بن احمد بن یحیی بن جابر، انساب الأشراف، ج ۳، محقق شیخ محمد باقر محمودی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، اول، ۱۳۹۷ ق،
- ۷- ترابی، احمد: امام محمد باقر 7 جلوه امامت در افق دانش، چاپ دوم (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵)
- ۸- جعفریان، رسول: تاریخ خلفا از رحلت پیامبر تا زوال امویان، چاپ دوم (قم، الهادی، ۱۳۷۸)
- ۹- جعفریان، رسول: حیات فکری سیاسی امامان شیعه، چاپ اول (قم، انصاریان، ۱۳۷۶)
- ۱۰- حرعاملی، محمد بن الحسن: وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸ (تهران، المکتبه الاسلامیه، بی تا)
- ۱۱- اسدحیدر: امام صادق و مذاهب اربعه، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، چاپ اول، ج ۱ (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹)



- ۱۲- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود: اخبار الطوال، مترجم: دکتر محمود مهدوی دامغانی (تهران، نی، ۱۳۶۸)
- ۱۳- راه راستان، دایره المعارف تشیع، چاپ اول (تهران، سعید محبی، ۱۳۷۶)
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد: المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول (تهران، المر تظویه، بی تا)
- ۱۵- سبحانی، جعفر: الموجز فی اصول الفقه، چاپ ششم (قم، مؤسسه امام صادق 7، بی تا)
- ۱۶- سید اهل، عبدالعزیز: زندگینامه جعفر بن محمد الامام الصادق، ترجمه حسین وجدانی (بی جا، بی تا، بی نا)
- ۱۷- شوشتری، نورالله: مجالس المومنین (تهران، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۴)
- ۱۸- شهر آشوب، ابی جعفر محمد بن علی: مناقب آل ابیطالب، محقق یوسف البقایی، ج ۴ و ۳ (بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲، ه.ق)
- ۱۹- صدوق، ابن بابویه محمد بن علی: خصال، مترجم آیت الله کمره ای، ج ۲، (تهران، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲)
- ۲۰- صدوق، ابن بابویه محمد بن علی: امالی شیخ صدوق، چاپ ششم (تهران، کتابچی، ۱۳۷۶)
- ۲۱- صدیقی نسب، عباسعلی: پژوهشی پیرامون زراره و خاندان اعین، چاپ اول (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵)
- ۲۲- صفری فروشان، نعمت الله: کاوشی در جریانها ویر آیندهای غالبان (مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸)
- ۲۳- طبری، جعفر بن محمد بن جریر: دلائل الامامه، چاپ سوم (قم، الرضی، ۱۳۶۳)
- ۲۴- طوسی، شیخ ابی جعفر محمد بن الحسن: الفهرست، محقق شیخ جواد قیومی، چاپ اول (بی جا، الفقاهه، ۱۳۷۵)
- ۲۵- عزیزی، حسین و رستگار، پرویز و بیات، یوسف: راویان مشترک ۲ ج، چاپ اول (قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰)
- ۲۶- عقیقی بخشایشی عبدالرحیم: امام صادق پیشوا و رئیس مذهب (بی تا، نویداسلام، تهران)
- ۲۷- علیدوست خراسانی، نورالله: پرتوی زندگانی امام صادق 7، چاپ اول (تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷)
- ۲۸- عماد زاده، حسین: زندگانی معلم کبیر حضرت جعفر صادق 7 چاپ دوم (تهران، گنجینه، ۱۳۶۲)
- ۲۹- اصفهانی: عمادالدین حسین: مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ج ۲، چاپ پنجم (بی جا، مکتب قرآن، بی تا)



- ۳۰- فصلنامه تاریخ اسلام، عبدالملک بن اعین، شماره مسلسل ۹ (قم، موسسه آموزش عالی باقر العلوم 7 بهار ۱۳۸۱)
- ۳۱- قریشی، سید علی اکبر: خاندان وحی، چاپ چهارم (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶)
- ۳۲- عباس قمی، نگاهی به زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، قم، نشر ناصر، دهم، ۱۳۷۶.
- ۳۳- کشی، محمد بن عمر: رجال کشی، تحقیق سید مهدی رجایی، (قم، موسسه آل البیت، هـ. ق ۱۴۰۴)
- ۳۴- کلینی، محمد بن یعقوب: اصول کافی، مترجم: محمد باقر کمره ای، ج ۱ و ۲، چاپ دوم (تهران، اسوه، ۱۳۷۲)
- ۳۵- کمپانی، فضل الله: حضرت صادق 7، چاپ اول (تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا)
- ۳۶- مادلونک: فرقه های اسلامی، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، چاپ اول (ایران شهر - اساطیر، ۱۳۷۷) ص ۱۲۹
- ۳۷- مجلسی، شیخ محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰ چاپ سوم (بیروت لبنان، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ ق.)
- ۳۸- محدث زاده، علی: اصحاب امام صادق 7، چاپ اول (تهران، مدرسه چهلستون، ۱۳۷۳)
- ۳۹- مدرسی، محمد تقی: امامان شیعه و جنبشهای مکتبی، مترجم: احمد رضا آذیر، چاپ چهارم (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸)
- ۴۰- مدرسی، محمد تقی: هدایتگران راه نور (زندگینامه چهارده معصوم) ج ۲، چاپ اول (تهران، محبان الحسین 7، ۱۳۷۹)
- ۴۱- مدرسی طباطبایی، سید حسین: میراث مکتوب شیعه، مترجم: سید علی قرائتی و رسول جعفریان (قم، کتابخانه تخصصی تاریخی اسلام و ایران، ۱۳۸۳)
- ۴۲- مسعودی، علی بن حسین بن علی: اثبات الوصیه الامام علی بن ابی طالب 7، (قم، الرضی، ۱۴۰۴ هـ. ق)
- ۴۳- مسعودی، علی بن حسین بن علی: التنبیه و الاشراف، مترجم: ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم (تهران، علمی فرهنگ، ۱۳۸۱)
- ۴۴- مسعودی، علی بن حسین بن علی، مروج الذهب، ج ۲ (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰)
- ۴۵- مشکور، محمد جواد: فرهنگ فرق اسلامی، چاپ سوم (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵)
- ۴۶- مطهری، مرتضی: سیری در سیره ائمه اطهار، چاپ دهم (قم، صدرا، ۱۳۷۴)
- ۴۷- مظفر، محمد حسین، صفحاتی از زندگانی امام صادق (ع)، مترجم: سید ابراهیم سیدعلوی، تهران، رسالت قم، دوم، ۱۳۷۲.
- ۴۸- مظفر، محمد حسین: الامام الصادق ج ۲ (قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹ هـ. ق)



۴۹- معروف الحسنی، هاشم: زندگی دوازده امام، مترجم: محمد رخشنده، ج ۲، چاپ اول (تهران، سراسر، ۱۳۷۰)

۵۰- موسوی کاشانی، سید محمد حسین: بر امام صادق و امام کاظم چه گذشت؟، چاپ اول (قم، مؤلف، ۱۳۷۳)

۵۱- موسوی، سید حسن: زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، (قم، بوستان کتاب ۱۳۸۱)

۵۲- نجاشی، احمد بن علی بن احمد: رجال نجاشی، چاپ ششم (قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ ه. ق)

۵۳- نعمه، عبدالله: فلاسفه شیعه، مترجم: سید جعفر غضبان، (تهران، بی نا، ۱۳۴۷)

۵۴- نواب شیرازی، علی اکبر: بحر اللالی، ج ۶، چاپ دوم، (بی جا، بی نا، شهریور ۱۳۴۰)

۵۵- نوبختی، ابومحمد حسن بن موسی: فرق الشیعه نوبختی، مترجم: محمد جواد مشکور، (بی جا، علمی فرهنگی، ۱۳۶۱)

۵۶- هاشمی، سید اسماعیل: شهادة الشهداء، (بی جا، بی نا، ۱۳۶۴)

۵۷- یعقوبی، احمد بن یعقوب: تاریخ یعقوبی، چاپ سوم، ج ۲ (بی جا، علمی فرهنگی، ۱۳۶۲)